

کارشناسی امور کیفری در حقوق ایران و فرانسه

یوسفعلی باقربور*

مقدمه

کارشناس، از کسانی است که در معاینه محل و تأییدهای مادی جرم، شناسایی جرم و مرتکب آن، اثبات بی‌گناهی متهم بی‌گناه، اجرای عدالت قضایی و صدور حکم منصفانه، نقش اساسی دارد.

معمولاً در جرایم مختلف، به‌ویژه جرایم جنایی و خصوص در عصر کنونی که به همراه رشد علوم و فنون، جرایم، آلات و ادوات جرم و شیوه‌های مجرمین، پیچیده و فنی شده است، مسائلی اتفاق می‌افتد که ترسیم درست آنها جز با به‌کارگیری کارشناسان و استفاده از علوم و فنون مختلف، ممکن نیست. کارشناسی و استفاده از کارشناس در معاینات و تحقیقات، تازگی ندارد، ولی امروزه در اثر پیشرفت علوم و تخصصی شدن رشته‌های مختلف علمی و گسترش دامنه آنها، اهمیت بسیاری پیدا کرده، و خود به صورت امر ویژه‌ای که فروع فراوانی دارد، درآمده است، مثل کارشناسی در امور پزشکی، شیمیایی، نوشتاری، مهندسی و امور مربوط به اسلحه و غیره. به همین جهت، قانون‌گذاران کشورهای مختلف از جمله ایران و فرانسه به آن توجه خاصی نموده، برای تعیین جایگاه کارشناسی و کارشناس در جریان تحقیقات و معاینات و قرار گرفتن در مسیر عدالت قضایی، مقررات ویژه و تشکیلاتی مستقل برای آنان منظور نموده‌اند تا ضمن دسترسی آسان مقام قضایی به آنان، از تخلفات احتمالی آنان نیز جلوگیری نمایند. قانون‌گذار ایرانی، مواد ۲۵۷ و ۲۶۹ از قانون آیین دادرسی در امور مدنی و قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷ و موادی از آیین دادرسی کیفری در معاینات محلی را به امور مربوط به کارشناسان و وظایف و اختیارات آنان اختصاص داده است. با

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق.

این وجود باید توجه داشت که سیستم دادرسی مدنی از دادرسی کیفری جدا است. جمع‌آوری دلایل در دادرسی مدنی به عهده اصحاب دعوی است، ولی در دادرسی کیفری، این مقام تحقیق است که به جمع‌آوری اطلاعات و دلایل جرم می‌پردازد. بنابراین، لازم است قانون‌گذار ایرانی به‌طور جداگانه به امور مربوط به کارشناسی در امور کیفری بپردازد و آن را از امور حقوقی جدا نماید.

قانون‌گذار فرانسوی که در قانون تحقیقات جنایی تنها دو ماده درباره کارشناسی در امور کیفری منظور کرده بود، در موقعی که قانون دادرسی کیفری را تنظیم می‌کرد، به این نقص توجه کرده، فصل جدید و ویژه‌ای را به مسئله کارشناسی در امور کیفری اختصاص داد و در مواد ۱۵۶ تا ۱۶۹ از آن قانون به بیان شرایط و قلمرو آن پرداخت.^۱

تعریف و تقسیم

کارشناس شخصی است که به مناسبت علم، شغل و یا کسب از توانایی علمی، فنی و یا از اطلاعات و معلومات خاصی در یک مسئله برخوردار است و صلاحیت لازم برای توضیح و ارائه نظر درباره آن را دارا می‌باشد، مثل پزشک، مهندس، داروساز و دیگر صاحبان حرف.^۲

کارشناسان بر دو قسم‌اند:^۳

۱. کارشناسان رسمی؛ ۲. کارشناسان غیررسمی.

کارشناسان رسمی به کسانی اطلاق می‌شود که دارای پروانه کارشناسی هستند. کارشناس غیررسمی کسی است که به مناسبت علم یا شغل و یا کسب دارای معلومات لازم است، ولی پروانه کارشناسی ندارد.

فرق بین کارشناس و شاهد

کارشناسی، نوعی شهادت ویژه است. کارشناس، معاینه و بررسی کرده، نتیجه معاینه و بررسی‌های خود و شاهد، شنیده‌ها و دریافت‌های حسی خویش را بیان می‌کند. با این

۱. عاطف نفیب، اصول المحاکمات الجزاییه، ص ۳۶۹ و گاستون استفانی، آیین دادرسی کیفری (فرانسه)، ج ۲،

ص ۸۷۷.

۲. ر.ک: ماده ۴۴۶ آیین دادرسی مدنی؛ ماده ۲ قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷؛ ماده ۸۳ ق.ا.د. ک و محمدجعفر جعفری لنگرودی، دانشنامه حقوقی و ترمینولوژی حقوق.

۳. مواد ۲ و ۱۹ قانون راجع به کارشناسان رسمی، مصوب ۱۳۱۷.

وجود، کارشناس، شاهد و کارشناسی، شهادت به معنای شناخته شده نیست و تفاوت‌هایی بین آن دو وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از:

۱. شاهد آنچه را که از راه چشم، گوش و حواس دیگر خویش دریافت و یا درک کرده، بیان می‌کند، ولی کارشناس در معاینات، جست‌وجوها و بررسی‌های خویش نظر شخصی خود را اعلام می‌کند که ممکن است نظر یک کارشناس با کارشناس دیگر در یک مسئله متفاوت باشد.

۲. شهود، افراد معینی هستند که موقعیت‌های خارج از اراده قاضی در تعیین آنان مؤثر است. آنان کسانی‌اند که خواسته یا ناخواسته در صحنه جرم حضور و یا اطلاعاتی درباره آن دارند و قاضی حق ندارد افراد دیگری را به جای آنان قرار دهد، ولی کارشناسان را قاضی تعیین می‌کند. او این تصمیم را در صورت لزوم به تشخیص و یا بر اساس درخواست اصحاب دعوی اتخاذ می‌نماید.

کارشناس، معاینه‌ای را انجام می‌دهد که قاضی از او می‌خواهد. قاضی در صورتی که در آنان، توانایی علمی و فنی و صلاحیت اخلاقی، مشاهده نکند، می‌تواند از کارشناسان دیگر استفاده کند، او تلاش می‌کند که تا حد امکان از کارشناسان رسمی استفاده شود.

تعیین کارشناس رسمی و غیررسمی

آیا مقام تحقیق در موافقی که اظهار نظر فنی توسط کارشناس را لازم تشخیص می‌دهد، مکلف به تعیین کارشناس از بین کارشناسان رسمی است و یا می‌تواند کارشناس غیررسمی هم تعیین کند.

طبق ماده ۱ یک قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷، هرگاه رجوع به کارشناسی لازم و ضروری باشد، مقام قضایی باید کارشناس را منحصرأ از بین کارشناسان رسمی انتخاب کند. اگر کارشناس رسمی در فن معینی وجود نداشته باشد، مقام تحقیق می‌تواند از بین کسانی که شغل و حرفه و معلومات آنان مربوط به آن فن باشد، یک یا چند نفر معتمد را به عنوان کارشناس غیررسمی تعیین نماید.^۱

بنابراین، مقام تحقیق در صورتی که کارشناس رسمی نباشد و یا کارشناس رسمی در آن فن معین وجود نداشته باشد و یا به دلایل موجهی چون وجود جهات رد کارشناس، نتواند حضور پیدا کرده، اظهار نظر نماید، می‌تواند از کارشناسان غیررسمی استفاده کند.

۱. ماده ۲۵ قانون راجع به کارشناسان رسمی.

ماده ۸۸ ق. ا. د. ک ایران درباره امور پزشکی بر همین اساس شکل گرفته است، چون مقرر می‌دارد:

«برای معاینه اجساد و جراحات‌ها و آثار و علایم ضرر و صدمه‌های جسمی و آسیب‌های روانی و سایر معاینه‌ها و آزمایش‌های پزشکی، قاضی از پزشک قانونی معتمد دعوت می‌نماید و اگر پزشک قانونی نتواند حضور یابد و یا در جایی پزشک قانونی نباشد، پزشک معتمد دیگری دعوت می‌شود. هرگاه پزشک قانونی در امری تخصص نداشته باشد، قاضی می‌تواند از پزشک متخصص دعوت به عمل آورد».

در حقوق فرانسه، اصولاً کارشناسانی که در اختیار بازپرس هستند، در فهرست موجود در دادگاه‌ها تعیین شده‌اند.^۱ هر دادگاه استان بعد از جلب نظر دادستان استان، فهرست کارشناسان شاغل حوزه خود را تهیه می‌کند، علاوه بر این، یک فهرست ملی که از طرف دیوان کشور تهیه شده است، وجود دارد.

بازپرس، کارشناسان مورد احتیاج خود را به اعتبار اعتمادی که به آنها دارد، از روی فهرست ملی و یا فهرست‌های دادگاه استان انتخاب می‌کند. بازپرس می‌تواند کارشناسی را که نامش در هیچ یک از فهرست‌ها ثبت نشده است انتخاب کند، ولی در این صورت باید دلیل انتخاب خود را توجیه کند و این، معمولاً در مواردی است که موضوع، یک فن استثنایی و صلاحیت خاص کارشناس منتخب می‌باشد. در غیر این صورت، قرار انتخاب ابطال می‌شود. در هر صورت، بازپرس نمی‌تواند کارشناسی را انتخاب کند که موضوع را به طور خصوصی بررسی و اظهار نظر کند و الا چنین اظهار نظری ابطال می‌شود.

انتخاب کارشناس در مراحل مختلف تحقیق

کارشناسی ممکن است در مراحل مختلف تحقیقات، ضرورت پیدا کند. یکی در مرحله تحقیقات در مورد جرم مشهود به وسیله پلیس قضایی و ضابطین دادگستری و دیگری در مرحله تحقیقات مقدماتی به وسیله مقام تحقیق و بالاخره در مرحله تحقیقات مقدماتی تکمیلی به وسیله دادگاه کیفری مرجع رأی.

۱. مرحله تحقیق از جرم مشهود

انجام کلیه تأییدهای مفید، پس از وقوع جرم و در اولین لحظات امکان آن، از اهمیت

فراوانی برخوردار است و بعضی از این تأییدها ممکن است در صلاحیت ضابطین دادگستری و یا افسران پلیس قضایی نباشد و تنها به وسیله مأموران فنی امکان پذیر باشد. در این صورت، ضابطین دادگستری در حقوق ایران که تمامی اقدامات لازم را طبق ماده ۱۸ ق.ا.د.ک، معمول و تحقیقات مقدماتی را انجام می دهند، می توانند از کارشناس در جریان معاینه و تحقیقات استفاده کنند، چون تعیین کارشناس و جلب نظر وی ممکن است مشمول اقدامات لازم گردد.

در حقوق فرانسه نیز همین است؛ یعنی افسران پلیس قضایی می توانند از کارشناس در تحقیقات از جرم مشهود بهره گیرند. ماده ۶۰ ق.د.ک فرانسه مقرر می دارد:

«در صورتی که برای اقدام به معاینات محلی نتوان تأخیر را جایز دانست، افسران پلیس قضایی از تمام کسانی که صلاحیت داشته باشند کمک می گیرند.»

تفاوت هایی که می توان بین حقوق ایران و فرانسه در این مورد مشاهده کرد، به قرار زیر است:

۱. قانون دادرسی کیفری فرانسه، طبق ماده ۶۰، در صورتی که به افسر پلیس قضایی اجازه می دهد که از کلیه اشخاص صلاحیت دار استفاده نماید که تأیید یا آزمایش های علمی یا فنی، قابل تأخیر نباشد، ولی در حقوق ایران چنین تصریحی دیده نمی شود، گرچه می توان گفت که ماده ۱۸ ق.ا.د.ک به اقدامات لازم اشاره کرده است و اگر تأخیر در تعیین کارشناس و جلب نظر وی، مشکلی پدید نمی آورد، استفاده از وی اقدام لازم به حساب نخواهد آمد.

۲. در حقوق ایران، کلیه ضابطین دادگستری می توانند کارشناس را تعیین و نظر وی را دریافت نمایند، ولی در حقوق فرانسه، تنها افسران پلیس قضایی حق دارند از کارشناس و نظر وی استفاده کنند و این حق برای مأموران پلیس قضایی و مأموران معاون شناخته نشده است.

۲. مرحله تحقیقات مقدماتی

در حقوق ایران، تحقیقات مقدماتی به وسیله قاضی دادگاه و یا قاضی تحقیق که زیر نظر او کار می کند، انجام می گیرد. معاینات محلی به دستور آنان توسط ضابطین دادگستری و یا اهل خیره صورت می پذیرد. بنابراین، تعیین کارشناس بر عهده قاضی دادگاه و یا قاضی تحقیق قرار دارد و در صورت لزوم از وی دعوت به عمل می آورند.

در حقوق فرانسه، بازپرس در تحقیقات مقدماتی درجه یک و هیئت اتهامیه در

تحقیقات مقدماتی درجه دو، می‌توانند به منظور انجام معاینه محلی، کارشناس را تعیین و نظر وی را درباره یک موضوع بخواهند. بازپرس که طبق ماده ۸۱ ق. د. ک فرانسه، کلیه اقدامات مربوط به تحقیقات مقدماتی را که برای روشن شدن حقیقت مفید می‌داند، انجام می‌دهد، طبق ماده ۱۵۶ به بعد، در صورتی که دلایل فنی ایجاب نماید، از اطلاعات فنی و معلومات کارشناس استفاده می‌کند.

شعبه اتهام نیز می‌تواند دستور انجام هرگونه اقدام به تحقیقات مقدماتی از جمله معاینات محلی را که مفید می‌داند، بدهد.^۱ این دستور به‌ویژه در مورد اقداماتی که بازپرس انجام آنها را رد کرده است، صادر می‌شود.^۲

تعیین کارشناسان از مواردی است که در صورت ردّ بازپرس، می‌تواند مورد دستور شعبه اتهام واقع شود.

۳. مرحله تحقیقات تکمیلی

مقام قضایی و دادگاه کیفری مرجع رأی که به موضوع رسیدگی می‌نماید، در صورتی که انجام تحقیقات لازم باشد، می‌تواند اقدام کرده و یا دستور آن را صادر کند. بنابراین، در صورتی که اظهار نظر کارشناس در موضوعی لازم باشد، از وی دعوت به عمل می‌آورد. در حقوق ایران، قاضی دادگاه که وظیفه تحقیقات و معاینات اصالتاً بر عهده او است، هر وقت ضروری تشخیص دهد، کارشناس را تعیین و اظهار نظر وی را درباره یک موضوع گوش می‌کند.

در حقوق فرانسه، دادگاه کیفری مرجع رأی که صرفاً رسیدگی و قضاوت می‌کند، در صورت لزوم، می‌تواند دستور انجام تحقیقات مقدماتی جدیدی، از جمله انجام یک کارشناسی را بدهد. وی اظهارات کارشناسان را گوش می‌کند. در این صورت، مواد ۱۵۶ به بعد که مربوط به موضوع، انتخاب، تعداد، جریان، گزارش و نتایج کارشناسی است، قابل اجرا می‌باشند.

تعداد کارشناسان

مقام تحقیق در حقوق ایران و فرانسه، این اختیار را دارد که اگر موضوع مورد کارشناسی، به بیش از یک کارشناس نیازمند است، به تعداد لازم از کارشناسان دعوت به عمل آورد.

۱. ماده ۲۰۱ ق. د. ک فرانسه. ۲. بند ۳ ماده ۲۸ و ۱۵۶، بند ۲ ماده ۱۶۷ ق. د. ک. فرانسه.

گاهی اوقات، موضوعات مختلفی در یک معاینه محل پدید می‌آید که هر یک نیازمند کارشناس مربوط به خود است و گاهی یک موضوع به دلیل اهمیت ویژه‌ای که دارد و یا نکات فنی متعددی که در آن وجود دارد، موجب می‌شود تا مقام تحقیق برای پی بردن به همه نکات دقیق و لازم، و وصول به اطمینان بیشتر از کارشناسان متعدد استفاده کنند.

ماده ۸۹ ق.ا.د.ک ایران درباره تعیین پزشک مقرر می‌دارد:

«قاضی می‌تواند در صورت لزوم به یک پزشک اکتفا نکرده و از چند پزشک دعوت کند».

مستفاد از این ماده و مواد دیگر از جمله ماده ۸۷ ق.ا.د.ک. که به اختلاف عقاید اهل خیره و دعوت از خبرگان دیگر اشاره می‌کند، آن است که مقام تحقیق در مواقع ضروری، می‌تواند از کارشناسان متعدد استفاده کند.

در حقوق فرانسه، پیش از قانون دادرسی کیفری، رویه قضایی جز در مسائلی که از حساسیت ویژه‌ای برخوردار بودند، بر این بود که تنها یک نفر کارشناس تعیین می‌کردند،^۱ پس از آن و بعد از فراز و نشیب‌هایی که در زمینه انتخاب کارشناس از طرف بازپرس و اصحاب دعوی و حضوری بودن انتخاب کارشناس پیش آمد، بند ۲ اصلاحی ماده ۱۵۶ (از فرمان ۱۲۹۶ بیست و سوم دسامبر ۱۹۵۸) ضمن پس گرفتن حق انتخاب کارشناس از طرف دفاع، به صراحت مقرر کرد که در هر مورد، بازپرس حداقل دو نفر کارشناس تعیین می‌کند و بند ۱ و ۳ ماده ۱۵۹ سال ۱۹۶۰ این سیستم را فقط در مورد اظهار نظر در ماهیت موضوع حفظ کرد. در این مورد، در صورت اقتضای استثنایی موضوع، تعیین تنها یک کارشناس امکان‌پذیر بود.

بند ۲ ماده ۱۵۹ از قانون ۳۰ دسامبر ۱۹۸۵ مقرر می‌دارد: بازپرس، کارشناس مأمور رسیدگی را انتخاب می‌کند و در صورت توجیه اوضاع و احوال، کارشناسان متعدد تعیین می‌شوند.

بنابراین، در صورتی که بازپرس، کارشناسی را مناسب تشخیص دهد، یک یا چند نفر کارشناس انتخاب می‌کند.

الزامی یا اختیاری بودن استفاده از کارشناس

معاینات محلی در حقوق ایران و فرانسه بر عهده مقام تحقیق نهاده شده است و کسی جز

۱. گاستون استفانی، همان، ج ۲، ص ۸۷۹.

او نمی‌تواند تصمیم اقدام به یک معاینه محلی را اتخاذ کرده، اجرا نماید. او می‌تواند بدون یاری جستن از فرد یا مقامی، تمام اقدامات، تحقیقات و معاینات لازم را شخصاً به عمل آورد و حتی درخواست کارشناسی از طرف اصحاب دعوی موجب الزام قاضی به دعوت از کارشناس و پذیرش کارشناسی نیست. با این وجود اگر اجرای درست و کامل تحقیق و معاینه، منوط بر استفاده از کارشناس باشد و راهی جز آن وجود نداشته باشد، قاضی مکلف به پذیرش نظر کارشناسی است و نباید از عدم الزام خویش در استفاده از کارشناسان، در این موارد استفاده کند، چون وی مکلف است تحقیقات لازم را انجام دهد و بهره‌گیری از کارشناس در فرض مزبور، بخشی از تحقیقات لازم به شمار می‌آید. طبق رأی شماره ۳۱۳۵ - ۱۹/۹/۳۰ شعبه سوم دیوان کشور: «در صورتی که برای تشخیص امر فنی خبرویت مخصوص لازم باشد دادگاه بایستی به وسیله اهل فن و کارشناس اقدام کند نه به تصدی خود».

- به طور کلی، مقام تحقیق به اجبار قانونی و یا عملی و به منظور اجرای معاینه محل از افراد دیگری استفاده می‌کند. این استفاده ممکن است به دلایل مادی، قضایی و یا فنی باشد. افراد که معمولاً در جریان معاینه محل به مقام تحقیق یاری می‌رسانند عبارتند از:
۱. ضابطین دادگستری.
 ۲. مقامات دیگر تحقیق.
 ۳. کارشناسان.

استفاده از ضابطین دادگستری، معمولاً به دلایل مادی صورت می‌گیرد؛ یعنی ضرورت تحقیقات و معاینات، تعدد کارهای مقام تحقیق و عدم امکان انجام آنها در زمان مناسب و با سرعت مطلوب، موجب می‌شود که انجام برخی از تحقیقات و اقدامات را از ضابطین دادگستری درخواست نماید.

یاری خواستن از مقامات دیگر تحقیق به دلایل قضایی صورت می‌گیرد؛ یعنی صلاحیت محلی مقام تحقیق و عدم امکان قانونی انجام معاینات و تحقیقات در خارج از قلمرو محلی در حقوق ایران و رعایت قلمرو محلی و عدم امکان عملی انجام برخی از تحقیقات در خارج از قلمرو محلی با توجه به صلاحیت سرزمینی بازپرس در حقوق فرانسه، سبب می‌شود که مقام تحقیق، انجام برخی از تحقیقات و معاینات را از مقام تحقیق مستقر در محل دیگر از طریق نیابت قضایی درخواست کند.

دعوت از اهل خبره و کارشناسان به دلایل علمی و فنی انجام می‌گیرد؛ یعنی ضرورت بررسی و تأیید علمی و یا فنی در برخی از جرایم و عدم صلاحیت مقام تحقیق در آن

زمینه، وی را وادار می‌سازد که با طرح سؤالات روشن و دقیق از نیروهای علمی و فنی صلاحیت‌دار بخواهد تا بعضی از نکات فنی را روشن نمایند.

یادآوری این نکته لازم است که ضابطین دادگستری و مقامات دیگر تحقیق به نیابت قضایی از مقام تحقیق عمل می‌کنند؛ یعنی همان‌کاری را انجام می‌دهند که مقام تحقیق انجام می‌دهد، ولی کارشناسان، موقعی دعوت می‌شوند که مقام تحقیق در عمل قادر به انجام آن نیست و استفاده از اطلاعات و معلومات علمی و یا فنی آنان ضروری است. بنابراین، برخلاف ضابطین دادگستری و مقامات دیگر تحقیق که نایب مقام تحقیق به حساب می‌آیند، کارشناس جانشین بازپرس نیست.

طبق ماده ۸۳ ق.ا. د.ک ایران: «از اهل خبره هنگامی دعوت به عمل می‌آید که اظهار نظر آنان از جهت علمی یا فنی و یا معلومات مخصوص، لازم باشد، از قبیل پزشک، داروساز، مهندسی، ارزیاب و دیگر صاحبان حرف...» و طبق ماده ۸۴ ق.ا. د.ک ایران: «قاضی مکلف است پرسش‌های لازم را از اهل خبره به صورت کتبی و شفاهی به عمل آورده و آن را در صورت مجلس قید نماید...».

در حقوق فرانسه نیز آنجا که بعضی از تأییدهای مادی جرم جز به وسیله صاحبان فن ممکن نباشد، بازپرس ناچار می‌شود، خدمات کارشناسی یک امر را به آنان واگذار نماید.^۱

بنابراین، مقام تحقیق در حقوق ایران و فرانسه، زمانی از کارشناس و یا کارشناسان دعوت کرده، از خدمات علمی و یا فنی آنان بهره می‌گیرد که اظهارات اطلاعات علمی و یا فنی آنان ضرورت داشته باشد. تشخیص این مسئله که آیا موضوع از موضوعاتی است که تشخیص آن موقوف به تخصص و اعمال نظر فنی است یا نه، به نظر مقام تحقیق و قاضی بستگی دارد.

موضوع کارشناسی

اموری که به کارشناس ارجاع داده می‌شود، امور موضوعی و فنی است نه حکمی. کارشناس حق ندارد درباره حکم یک قضیه اظهار نظر نماید؛ زیرا تشخیص حکم و اعلام آن از وظایف انحصاری مقام قضایی است و او حق واگذاری آن را به کسی ندارد. به علاوه کارشناس تنها در امری از امور فنی و موضوعی دخالت می‌کند که مقام تحقیق به

۱. ماده ۱۵۶ به بعد ق. د.ک فرانسه.

وی ارجاع داده است. به همین جهت است که تعیین موضوع کارشناسی در قرار مقام تحقیق الزامی است. ماده ۲۵۷. ا. د. م ایران مقرر می‌دارد:

«در قرار دادگاه موضوعی که عقیده کارشناس نیست به آن لازم است... تعیین می‌گردد».

در حقوق فرانسه نیز بازپرس ضمن تعیین کارشناس، به وسیله قرار مستدل و با امضا، موضوع کارشناسی را تعیین می‌کند. موضوع کارشناسی باید یک امر فنی باشد.

مدت کارشناسی

سرعت از ویژگی‌های مهم تحقیقات و معاینات محلی است. حضور به موقع و انجام امور کارشناسی در نزدیک‌ترین زمان ممکن به وقوع جرم از اهمیت خاصی برخوردار است. تأخیر در حضور و یا در انجام امور کارشناسی و در نتیجه طولانی شدن کارشناسی موجب می‌شود که جریان تحقیقات مقدماتی کند شود. به علاوه، ممکن است موجب از بین رفتن آثار و علایم جرم گردد، لذا مقام تحقیق که در مواقع لزوم از کارشناس دعوت به عمل می‌آورد، باید در قرار رجوع به کارشناس، مدت اظهار نظر کارشناس را تعیین نماید. ماده ۲۵۷. د. م ایران مقرر می‌دارد:

«... در قرار دادگاه... مدتی که کارشناس باید اظهار عقیده کند، تعیین می‌گردد».

در حقوق فرانسه نیز بازپرس باید مدت اظهار نظر کارشناسان را تعیین کند.^۱ اگر این مدت کافی نباشد، کارشناسان با گزارش پژوهش‌هایی که تا آن موقع انجام داده‌اند، باید از بازپرس درخواست تمدید مدت نمایند. در این صورت، بازپرس با قرار مستدل یا تمدید مدت مورد درخواست موافقت می‌کند. بنابراین، او می‌تواند فوراً به جای کارشناسان منتخب، خبرگان دیگری را تعیین کند. در این صورت، کارشناسان قبلی باید ظرف ۴۸ ساعت اشیاء، قطعات و اسنادی را که به آنها سپرده شده بود، مسترد دارند.^۲

مدت زمانی که معین می‌شود، به نظر مقام تحقیق بستگی دارد و او بر اساس اوضاع و شرایط و با توجه به موضوع مورد کارشناسی تصمیم می‌گیرد. با این وجود ماده ۹۲. ق. ا. د. ک ایران، مقرر کرده که پزشک باید نظریه خود را حداکثر ظرف سه روز به قاضی اعلام نماید مگر در مواردی که اظهار نظر، مستلزم مدت بیشتری باشد.

۱. بند ۱ ماده ۱۶۱ ق. د. ک فرانسه.

۲. بند ۲ ماده ۱۶۱ ق. د. ک فرانسه.

درخواست کارشناسی و تصمیم مقام تحقیق

پیش از این گذشت که تصمیم کارشناسی به وسیله مقام تحقیق اتخاذ می‌شود. این به آن معنا نیست که کسی نتواند از مقام تحقیق، کارشناسی را بخواهد. اصحاب دعوی می‌توانند درخواست کارشناسی بدهند و گوش دادن به اظهارات یک متخصص فنی را بخواهند. در حقوق فرانسه این حق درخواست برای دادستان شهرستان نیز شناخته شده است.

نکته قابل یادآوری، وظیفه بازپرس و اختیار او در این زمینه است. آیا مجبور به پذیرش درخواست آنان است و یا چنین اجباری وجود ندارد.

در حقوق ایران، مقام تحقیق مکلف به پذیرش درخواست اصحاب دعوی نیست. او تصمیم ارجاع امر به کارشناس را در مواقعی اتخاذ می‌کند که اظهار نظر کارشناسی را ضروری تشخیص می‌دهد، چه اصحاب دعوی تقاضا کرده باشند و یا نکرده باشند. به هر حال، درخواست اصحاب دعوی ممکن است موجب شود تا مقام تحقیق، اظهار نظر کارشناسی را لازم بداند.

در حقوق فرانسه، بازپرس مکلف به پذیرش درخواست اصحاب دعوی نیست، ولی حق رد درخواست ارجاع به کارشناسی از طرف اصحاب دعوی را جز با قرار مستدل و ظرف یک ماه از تاریخ درخواست ندارد. ماده ۱۵۶ ق. د. ک فرانسه، حق درخواست کارشناسی را در مواقعی که یک مسئله فنی مطرح می‌شود، برای کلیه طرف‌های دعوی می‌شناسد و بازپرس تنها با قرار مستدل و ظرف یک ماه از تاریخ وصول درخواست، می‌تواند اقدام به رد آن نماید. این تصمیم در شعبه اتهام قابل رسیدگی پژوهشی است^۱ و اصحاب دعوی می‌توانند از قرار رد ارجاع امر به کارشناس، تقاضای تجدید نظر کنند. اگر بازپرس بیش از یک ماه از دریافت تقاضا تصمیم نگیرد، اصحاب دعوی می‌توانند مستقیماً در این مورد به رئیس شعبه اتهام مراجعه نمایند.^۲ رئیس شعبه اتهام می‌تواند پرونده را به شعبه اتهام ارسال نموده و یا با قرار مستدل غیر قابل تجدید نظر، ظرف ۸ روز از تاریخ وصول پرونده به بی‌وجه بودن این پژوهش اظهار نظر کند.^۳

جهات رد درخواست کارشناسی

مقام تحقیق می‌تواند درخواست اصحاب دعوی در زمینه ارجاع امر به کارشناس را

۱. ماده ۱ - ۱۸۶ بند ۱ قانون ۲۹ دسامبر ۱۹۷۲ فرانسه.

۲. ماده ۱۵۶ بند ۲، ارجاعی به ماده ۸۱ ق. د. ک فرانسه.

۳. ماده ۱ - ۱۸۶ ق. د. ک فرانسه.

دربارۀ یک مسئله فنی نپذیرد، ولی بدون دلیل هم نباید به خود اجازه رد تقاضای کارشناسی را بدهد. در حقوق فرانسه، بازپرس مکلف است برای رد درخواست کارشناس، ظرف یک ماه قرار مستدل صادر نماید؛ یعنی جهات رد کارشناسی را در قرار خویش بیان کند. جهات مختلفی ممکن است مقام تحقیق را به رد درخواست اصحاب دعوی وادار نماید که بعضی از آنها به قرار زیر است:

۱. طولانی کردن و به تأخیر انداختن تحقیقات: یعنی در صورتی که برای مقام تحقیق روشن شود که هدف از تقاضای کارشناسی، چیزی جز معطل کردن، طولانی کردن و به تأخیر انداختن تحقیق و معاینه نیست، می تواند درخواست را رد نماید.

۲. مرتبط نبودن با اصل قضیه: یعنی موضوع مورد درخواست برای کارشناسی و روشن شدن برخی از نکات فنی درباره آن، ارتباطی با اصل قضیه نداشته باشد.

۳. تکمیل تحقیقات و عدم ضرورت تحقیق بیشتر: یعنی اگر دلایل جرم به اندازه کافی جمع آوری شده باشد و تحقیقات بیشتر، تغییری در مسئله ایجاد نکند، درخواست کارشناسی قابل رد است.

۴. مسئله مورد درخواست برای کارشناسی، مسئله فنی و نیازمند به کارشناس نباشد.

به طور کلی، می توان گفت که مقام تحقیق در صورتی که احتمال دهد که انجام کارشناسی، مؤثر در اصل قضیه و موجب روشن شدن حقیقت است و راهی جز آن وجود نداشته باشد، مکلف به پذیرش تقاضای کارشناسی است.

در حقوق ایران اگرچه قانونگذار مقام تحقیق را مکلف به بیان جهات رد در حقوق ایران نکرده است و این را می توان نقص قانونی در این زمینه به حساب آورد، ولی مقام تحقیق باید اصل را بر تأثیر کارشناسی قرار دهد و تقاضای اصحاب دعوی را بپذیرد و تنها در صورتی که یقین به عدم تأثیر آن دارد، اجازه رد درخواست کارشناسی را به خود بدهد. به علاوه جهاتی که برای رد درخواست ذکر گردید، به این معنا نیست که هر یک از آنها برای رد درخواست کفایت کند، لذا مقام تحقیق مثلاً به صرف این که غرض از درخواست، به تأخیر انداختن است، نمی تواند آن را رد کند، بلکه در صورتی که مجموعه دلایل و قرائن نشان دهد که نیازی به ارجاع امر به کارشناس نیست، می تواند آن را نپذیرد.

وظایف و نظریات کارشناسان

وظایف کارشناسان

کارشناس و اهل خبره‌ای که برای انجام امور کارشناسی برگزیده می‌شود، وظایف و تکالیفی دارد که باید انجام دهد. بعضی از آنها که با تحقیقات و معاینات محل مرتبط است، عبارتند از:

۱. سوگند کارشناس.
۲. پذیرش کارشناسی.
۳. اجرای دستورات در زمان مقرر.
۴. حفظ اسرار و راز حرفه‌ای.
۵. گزارش کارشناسی.

سوگند کارشناس

کارشناسان رسمی، حین گرفتن پروانه کارشناسی و کارشناسان دیگر، زمان انتخاب برای امور کارشناسی، مکلف به اجرای مراسم سوگند می‌باشند. کارشناسان غیررسمی که نام آنان در فهرست رسمی ثبت نشده است، هر بار که موضوعی انتخاب می‌شوند در حضور مقام تحقیق، قسم یاد می‌کنند، ولی کارشناسان رسمی در مواقع انتخاب به عنوان کارشناس و یا تجدید ثبت نام سالانه، لازم نیست سوگند خود را تجدید نمایند.^۱

بنابراین، در حقوق ایران، کارشناس رسمی و کارشناسان انتخابی بر اساس ماده ۲۹ قانون راجع به کارشناسان رسمی و کارشناسان دیگر باید به شرح زیر سوگند یاد نمایند: «به خداوند متعال سوگند یاد می‌کنم در امور کارشناسی که به من ارجاع می‌گردد، خداوند متعال را حاضر و ناظر دانسته، به راستی و درستی، عقیده خود را اظهار نمایم و نظریات خصوصی را در آن دخالت ندهم و تمام نظر خود را نسبت به موضوع کارشناسی اظهار نمایم و هیچ چیز را مکتوم ندارم و برخلاف واقع چیزی نگویم و نویسم».^۲

در حقوق فرانسه، همه کارشناسان باید سوگند یاد کنند که به نام شرف و وجدان خود

۱. ماده ۷ قانون راجع به کارشناسان رسمی ایران و ماده ۴۰ ق. د. ک فرانسه.

۲. ماده ۵ قانون راجع به کارشناسان رسمی و ماده ۱۱ لایحه قانونی مربوط به استقلال قانون کارشناسان رسمی.

با عدالت همکاری می‌کنند.^۱ بنابراین، قسم یاد نکردن، موجب بطلان کارشناسی نیست. کارشناسی زمانی ابطال خواهد شد که به حقوق دفاع آسیب وارد کند.^۲

پذیرش کارشناسی

کارشناسان در مواقعی که مقام تحقیق از آنان دعوت می‌کند، مکلف به قبول کارشناسی و حضور در محل مقرر می‌باشند، مگر در صورتی که عذر موجهی وجود داشته باشد.^۳ قانون ایران به مقام تحقیق اجازه داده است در جرایم مخل امنیت و خلاف نظم عمومی در صورتی که کارشناس، بدون عذر موجه حاضر نشود و من به الکفایه هم وجود نداشته باشد، حکم جلب کارشناس را صادر نماید.^۴

در حقوق فرانسه نیز، کارشناسان دعوت شده، مکلف به قبول دعوت و حضور در محل مقرر می‌باشند و عدم قبول کارشناسی و حضور در محل مقرر ممنوع بوده، جرم مستقل به شمار می‌آید.^۵

اجرای دستورات در زمان مقرر

کارشناسان منتخب مکلف هستند در مدت قانونی^۶ و یا مدتی که مقام تحقیق تعیین می‌نماید، دستورات وی را در امور کارشناسی اجرا نمایند.^۷ وظایف آنان را مقام تحقیق معین می‌کند، آنان باید در ارتباط با مقام تحقیق به انجام وظایف و اجرای دستورات بپردازند و او را در جریان عملیات کارشناسی قرار دهند تا بتواند همیشه تصمیمات مفیدی اتخاذ نماید.^۸

اگر اظهار نظر درباره دستورات صادر شده به مدت بیشتری نیازمند باشد و مدت مقرر کفایت نکند، از مقام تحقیق درخواست تمدید آن را می‌نمایند و او هم مهلت مناسب دیگری را تعیین می‌کند.^۹

کارشناسان نباید در انجام امور کارشناسی، سهل انگاری و مسامحه نمایند. در این

۱. بند ۱ ماده ۱۶۰، بند ۲ ماده ۶۰، بند ۳ ماده ۷۴، اصلاحی ۲۹ دسامبر ۱۹۷۲.

۲. ماده ۸۰۲ ق. د. ک قانون ۶ اوت ۱۹۷۵.

۳. ماده ۱۰ و ۱۵ قانون راجع به کارشناسان رسمی.

۴. ماده ۸۳ ق. ا. د. ک ایران.

۵. بند ۱ ماده ۶۱ ق. د. ک فرمان ۱۱۲ - ۶۱ فوریه ۱۹۶۱ فرانسه.

۶. ماده ۹۲ ق. ا. د. ک ایران.

۷. ماده ۸ و ۱۵ قانون راجع به کارشناسان رسمی.

۸. ماده ۳۱ تصویب نامه ۳۱ دسامبر ۱۹۷۴ اصلاحی و تصویب نامه ۲۷ دسامبر ۱۹۸۵ فرانسه.

۹. ماده ۴۴۹ ا. د. م ایران و ماده ۱۶۱ ق. د. ک فرانسه.

صورت، مسئول بوده و ممکن است موضوع اقدامات انضباطی قرار گیرند و حتی از فهرست کارشناسان رسمی حذف گردند.^۱

حفظ اسرار و راز حرفه‌ای

کارشناسان به مقتضای وظیفه‌ای که در جریان معاینات محلی بر عهده آنان نهاده می‌شود، ممکن است به اطلاعات دست یابند که جنبه خصوصی و سری داشته باشد. قانون‌گذار ایران و فرانسه برای جلوگیری از افشای اسرار و حفظ حقوق متهمین، مقرراتی را وضع نمودند که طبق آنها، کارشناسان مکلف به حفظ اسرار می‌باشند. ماده ۱۲ قانون راجع به کارشناسان رسمی تصریح می‌کند:

«کارشناس مکلف است اسراری را که در اثر انجام شغل خود مطلع شده است، حفظ نماید».

طبق ماده مزبور و ماده ۶۴۸ ق.م. ایران، کارشناسان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل و یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند، هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند، مجازات می‌گردند. بنابراین، افشاء اسرار مردم در غیر از موارد قانونی، جرم مستقل به شمار می‌آید.

در حقوق فرانسه هم چنین است. کلیه کسانی که در دادرسی شرکت دارند، مکلف به حفظ اسرار و راز حرفه‌ای در غیر از شرایط قانونی هستند. عدم رعایت حفظ راز حرفه‌ای، جرم تلقی شده و مواد ۳۷۸ ق.م. فرانسه، مجازات‌هایی را برای آن پیش‌بینی کرده است.^۲

گزارش کارشناسی

با پایان یافتن عملیات کارشناسی، کارشناسان باید به تهیه و تنظیم گزارش پرداخته، به مقام تحقیق تقدیم نمایند. آنان باید عقیده خود را در گزارش بنویسند. به علاوه جهات آن نظر و استنباط‌های خود را از عملیات و اقداماتشان را بیان کنند و گزارش آنان، پاسخ به سؤالاتی باشد که مقام تحقیق از آنان خواسته است.^۳

هرگاه از چند کارشناس دعوت شده و بین نظریات آنان اختلاف وجود داشته باشد،

۱. ماده ۲۳ و ۹ قانون راجع به کارشناسان رسمی ایران و بند ۳ ماده ۱۶۱ ق. د.ک فرانسه.

۲. ماده ۱۱ ق. د.ک فرانسه.

۳. ماده ۴۵۴، د.م ایران؛ بند ۱ و ۲ اصلاحی ماده ۱۶۶ و ماده ۲۶ قانون ۳۰ دسامبر ۱۹۸۵ فرانسه.

هر یک از آنها باید عقیده خود را با ذکر جهات آن و به طور مستدل بیان نماید، تا قاضی به اندازه ممکن و به طور کامل آگاه شود. گزارش باید به وسیله تک تک کارشناسان امضا شود، اعم از این که هر یک، عقیده اش را خودش نوشته باشد و یا این که یک نفر به نمایندگی از طرف همه، عقایدشان را نوشته و آن را تنظیم کرده باشد.^۱

نظریات کارشناسان

کارشناس و مقام تحقیق

کارشناسان، دستورات مقام تحقیق را در امور کارشناسی اجرا می کنند. بنابراین، مقام تحقیق باید دستورات خود را به طور مشخص بیان نماید. ماده ۱۸۴ ق.ا.د.ک ایران مقرر می دارد:

«قاضی مکلف است پرسش های لازم را از اهل خبره به صورت کتبی یا شفاهی به عمل آورده و آن را در صورت مجلس قید نماید. در صورتی که بعضی از آثار از نظر قاضی حایز اهمیت در کشف حقیقت باشد ولی به نظر خبره این اهمیت را نداشته باشد، خبره مکلف است به درخواست قاضی نسبت به آن اظهار نظر نماید».

درباره ماده مزبور فرض هایی قابل تصور است، که برخی از آنها عبارتند از:

۱. قاضی و کارشناس معتقد باشند که بعضی از آثار برای کشف حقیقت دارای اهمیت است.

۲. از نظر قاضی دارای اهمیت باشد نه کارشناس.

۳. از نظر کارشناس اهمیت داشته باشد نه قاضی.

تردیدى در لزوم کارشناسی در فرض اول نیست. ماده فوق به فرض دوم نظر دارد و کارشناس را مکلف به اظهار نظر می داند. ماده ۱۸۰.د.ک سابق این اجازه را به کارشناس داده بود که می تواند از بعضی علایم و آثار مورد نظر قاضی صرف نظر نموده، اهمیت ندهد مگر این که برای کشف حقیقت، اهمیتی داشته باشد.

قانون جدید در آن تغییری ایجاد آن را اصلاح و میزان اختیار کارشناسان را کاهش داد؛ زیرا در نظر گرفته شدن علایم و آثار از طرف قاضی به این معنا است که به نظر وی برای کشف حقیقت، اهمیت دارند و بر اساس ماده ۸۴ قانون جدید، کارشناسان مکلف اند درباره آنها اظهار نظر نمایند، اگرچه به نظر آنان اهمیتی نداشته باشند.

درباره فرض سوم، سؤال این است که آیا کارشناس می‌تواند به نظر خود به معاینه اقدام کند یا خیر؟

قانون در این زمینه ساکت است و می‌توان گفت که کارشناس در محدوده اموری که به او واگذار شده، مسوط‌الید است و می‌تواند درباره علایم و آثار مربوط به آنها اظهار نظر نماید. بنابراین، در صورتی که از طرف قاضی منع شده باشد و یا موضوع از امور مستقل باشد، نمی‌تواند اقدام کند مگر این‌که نظر قاضی را جلب نماید.

در حقوق فرانسه، کارشناسان تحت نظارت بازپرس انجام وظیفه می‌کنند^۱ و با این‌که اختیاراتی برای استماع اظهارات متهم و پذیرفتن کلیه اعلام‌های مفید اشخاص ثالث و روشن شدن در مورد نکات فنی تبعی دارند، باید وظیفه خود را در تماس با بازپرس انجام دهند. آنان سعی می‌کنند با کامل‌ترین وجه ممکن درباره نکات وظیفه خودشان آگاهی پیدا کنند.^۲

نظریات مختلف، مشکوک و یا مخالف با اوضاع و احوال

مقام تحقیق بر اساس وظیفه قانونی خود، سعی می‌کند اطلاعات کافی و مفیدی درباره عمل ارتكابی، جمع‌آوری و آنها را در پرونده ضبط نماید. قانون‌گذار در مقررات مصوب خویش ضمن هدایت مقام تحقیق در یک مسیر معین، نظری را ملاک و معیار در جریان تحقیقات و معاینات قرار داده است و به او اختیار داده که با رعایت مقررات، هرگونه تحقیقی را که لازم می‌داند، انجام و موقع تردید، تحقیقات را تا رفع آن ادامه دهد، لذا در امور کارشناسی با فرض سه مورد، دستوراتی ارائه داده است؛

۱. اختلاف بین نظریات کارشناسان.

۲. مشکوک بودن نظر آنان.

۳. مخالفت نظر آنان با اوضاع و احوال واقعه.

ماده ۸۷ ق. ا. د. ک ایران با اشاره به عقاید اهل خیره، مورد اول و دوم ماه ۹۳ آن، با اشاره به نظر پزشکان، مورد اول و سوم را مورد توجه قرار داد. مشکوک بودن نظر اهل خیره از دو مورد دیگر عام‌تر است، چه ممکن است نظریات کارشناسان، مختلف و مخالف با اوضاع و احوال واقعه نباشد، ولی به جهات دیگر برای قاضی مشکوک جلوه کند.

۱. بند ۳ ماده ۱۵۶ ق. د. ک فرانسه.

۲. گاستون استفانی، همان، ج ۲، ص ۸۸۱ و ۸۸۳.

تصمیم مقام تحقیق

مقام تحقیق در موارد فوق‌الذکر می‌تواند به کارشناسان دیگر مراجعه و عقیده آنان را در مسئله جویا شود. ماده ۸۷ ق.ا.د.ک ایران مقرر می‌دارد:

«هرگاه در عقاید اهل خیره، اختلافی حاصل شود یا عقیده آنان به نظر قاضی مشکوک باشد، قاضی می‌تواند از خبرگان دیگری دعوت نماید و یا نظریه آنان را نزد متخصصین علم یا فن مربوط، ارسال و عقیده آنان را استعمال نماید».

ماده ۹۳ ق.ا.د.ک ایران مقرر می‌دارد:

«در صورت اختلاف نظر پزشکان و یا تناقض نظر پزشک با اوضاع و احوال واقعه، قاضی نظر پزشک را نزد پزشکانی که تخصص بیشتری دارند می‌فرستد، اشخاص یاد شده نظر خود را در صورت لزوم پس از اخذ توضیح از پزشکی که معاینه کرده و یا با معاینه مستقیم به طور کتبی به قاضی اعلام می‌کنند».

بنابراین، مقام تحقیق ملزم به متابعت از عقیده کارشناسان نیست و معاینات را به وسیله کارشناسان دیگر ادامه می‌دهد تا نسبت به نظر کارشناسان و یا یکی از نظریات آنان اطمینان پیدا کند.

اعتراض به نظریه کارشناس

نظر کارشناسان که ممکن بود به وسیله مقام تحقیق، مورد شک و تردید قرار گرفته، با نظریات کارشناسان دیگر تأیید، تکمیل و یا تصحیح گردد، ممکن است مورد اعتراض اصحاب دعوی و افرادی قرار گیرد که حق حضور در تحقیقات و معاینات را دارند. قانون‌گذار ایرانی برای فراهم ساختن امکان دفاع، در ماده ۱۲۶۰ ا.د.م، اصحاب دعوی را مکلف کرده است که پس از انقضای مدت اظهارنظر کارشناس، ظرف یک هفته حاضر شده و با ملاحظه رأی کارشناس، اظهارات خود را به طور کتبی مطرح کنند. هم‌چنین طبق ماده ۹۱ ق.ا.د.ک، به شهود تحقیق و سایر اشخاصی که حق حضور دارند، این حق را داده است که به نظریه کارشناسان اعتراض نمایند. در این صورت، مقام تحقیق باید مراتب اعتراض را در صورت مجلس قید کند.

قانون‌گذار تنها به قید مراتب اعتراض در صورت مجلس اکتفا کرده است. به هر حال، می‌توان گفت که اعتراض اصحاب دعوی و شهود تحقیق و سایرین ممکن است برای مقام تحقیق روشن کند که نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم واقعه موافقت

ندارد و یا کارشناسی، ناقص است. در این صورت، مکلف است با دعوت از کارشناسان دیگر و یا استعلام نظر آنان، کارشناسی را تکمیل و یا تصحیح نماید.

ملاحظات نسبت به گزارش و نظر کارشناس در حقوق فرانسه

کارشناسان پس از ختم کارشناسی، گزارش خود را که متضمن نظریات و استنباط‌های آنان از کارشان است، تنظیم و آن را به مدیر دفتر بازپرس تسلیم می‌نمایند.^۱ قانون‌گذار فرانسوی بر این نظر است که انتقادات به کار کارشناسان باید به طور محرمانه‌تری مطرح شود و تا فرصت باقی است نقایص آن برطرف گردد، لذا خواسته است که از بحث علنی دربارهٔ نقص کارشناسی در جلسه دادرسی دادگاه مرجع رأی و در شرایطی که به حیثیت علم و عدالت آسیب وارد می‌کند، اجتناب می‌شود.

بر این اساس، مادهٔ ۱۶۷ ق. د. ک فرانسه مقرر می‌دارد که متعاقب تسلیم گزارش، بازپرس باید طرفین ذی‌نفع و وکلای آنها را دعوت کرده و نظریهٔ کارشناسان را در اشکال پیش‌بینی شده در بند ۲ مادهٔ ۱۱۴ به اطلاع آنها برساند. او این کار را می‌تواند به وسیلهٔ نامه سفارشی و در مورد متهم زندانی به وسیلهٔ رئیس مؤسسهٔ زندان به عمل آورد.^۲ بازپرس برای معرفی نظریه‌ها و یا درخواست‌ها، مخصوصاً به منظور تکمیل کارشناسی و یا ارجاع مجدد امر به کارشناسی، مدت تعیین می‌کند و پرونده را در این مدت در اختیار وکلای طرفین قرار می‌دهد.^۳ در صورتی که وی با تقاضای تکمیل و یا ارجاع مجدد امر به کارشناسی موافق نباشد، باید آن را با قرار مستدل و ظرف مدت یک ماه از تاریخ وصول درخواست رد نماید.^۴ همان‌طور که گفته شد، این تصمیم قابل رسیدگی پژوهشی در شعبه اتهام است،^۵ ولی بررسی آن منوط به رأی مساعد رئیس شعبه اتهام می‌باشد،^۶ یعنی او نسبت به درخواست رسیدگی پژوهشی از قرارهای بازپرس در رد تقاضای تکمیل و یا ارجاع مجدد امر به کارشناسی اظهار نظر می‌نماید و با موافقت وی در شعبه اتهام مطرح می‌شود.

دادگاه مرجع رأی، اظهارات کارشناسان را هم گوش می‌کند. رئیس دادگاه، پس از شنیدن گزارش آنها، به تقاضای دادسرا، طرفین یا وکلای آنها، سؤالاتی را که داخل در

۱. بند ۱ و ۳ مادهٔ ۱۶۶ ق. د. ک فرانسه.

۲. مادهٔ ۱۶۷ ق. د. ک فرانسه.

۳. بند ۳ مادهٔ ۱۶۷ ق. د. ک فرانسه.

۴. بند ۴ مادهٔ ۱۶۷ ق. د. ک فرانسه.

۵. مادهٔ ۱ - ۱۸۶ اضافه شده با قانون ۲۹ دسامبر ۱۹۷۲ فرانسه.

۶. بند ۲ به بعد مادهٔ ۱ - ۱۸۶ ق. د. ک فرانسه.

وظیفه سپرده شده به آنها است، مطرح می‌کند. بعد از گزارش کوتاه آنها، کارشناسان در مذاکرات شرکت می‌کنند، مگر این‌که رئیس، آنها را مرخص کند.^۱

اگر شاهد و یا شخصی که به عنوان مطلع، بیان اطلاع می‌کند، در جلسه برخلاف نظر کارشناسان مطلبی بگوید و یا از نظر فنی، مطالب تازه‌ای بگوید، رئیس از کارشناسان، دادسرا و طرفین می‌خواهد که ملاحظات خود را در این مورد بیان کنند. سپس دادگاه، با یک تصمیم مستدل اعلام می‌کند که از مذاکرات بگذرند و یا موضوع را به جلسه بعدی واگذار می‌نماید. در صورت اخیر، دادگاه دستور انجام اقدامات مفیدی را که لازم می‌داند برای تکمیل کارشناسی، مورد اعتراض می‌دهد.^۲ انتقاد از نظریه کارشناسان باید در جلسه دادرسی به طور شفاهی به وسیله متخصص فنی بیان شود تا بتوان از او سؤالاتی کرد.

قلمرو امور کارشناسی

امروزه قلمرو فنی امور مربوط به جرم که مورد عمل کارشناسی است، بی‌نهایت مختلف و گوناگون می‌باشد. امور پزشکی، شیمیایی، زیستی و روانی، سم‌شناسی، امور مربوط به حوادث هوایی یا عبور و مرور جاده‌ای یا راه آهن و امور مربوط به پلیس علمی از جمله آنها به شمار می‌آیند.

پزشکی قانونی، علل فوت، وقت دقیق آن، اسلحه به کار رفته، فاصله ضربات وارده و نیز وقوع عمل منافی عفت، سقط جنین، بچه‌کشی و غیره را مشخص می‌نماید. سم‌شناسی، وجود و نوع سم را تعیین می‌کند. شیمی، تقلبات غذا و جعل در نوشته را افشا می‌نماید.

آزمایش گاه‌های پلیس علمی می‌توانند اسلحه‌ای را که گلوله معینی را شلیک کرده، ماشینی که شخصی رازده و منشأ آثار خونی که کشف شده را تعیین نموده، هویت موها، پارچه‌ها، گرد و خاک را معلوم کند.

دعوت از کارشناسان به طور معمول از طرف ضابطین دادگستری و به دستور مقام تحقیق به عمل می‌آید. آنان موظفند طبق دستور مقام تحقیق درباره کلیه مسائل فنی درخواست شده عمل کرده، اظهار نظر نمایند. پلیس علمی و پزشکان قانونی عمده‌ترین افرادی هستند که در امور مربوط به جرم نقش حساس و تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند. به

۱. بند ۳ ماده ۱۶۸ ق. د. ک فرانسه.

۲. ماده ۱۶۹ ق. د. ک فرانسه.

همین جهت در این قسمت به برخی از اقدامات مهمی که آنان در صحنه جرم و درباره مسائل مربوط به جرم انجام می‌دهند اشاره می‌کنیم و آنگاه به بحث مختصری درباره پرونده شخصیت مجرم که محصول کار کارشناسی است، می‌پردازیم.

قلمرو پزشکی قانونی

وظیفه اصلی پزشکی قانونی، همکاری نزدیک با مقامات قضایی و انتظامی برای تعیین سرنوشت پرونده‌های جنایی است و قاضی با چشم پزشکان به قضایا می‌نگرد و در حقیقت، پزشکی قانونی، چراغ تابناکی فرا راه مقام تحقیق و قضاوت است تا با استفاده از آن از پیچ و خم‌ها و فراز و نشیب‌ها و تنگناها بگذرد و به مقصد خود که رسیدن به اطلاعات دقیق و صحیح و کامل برای تعیین سرنوشت متهم یا منهمان است، برسد.

جرایم ارتكابی را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

۱. جرایم همراه با قتل و جرح مثل جرم قتل، ضرب و شتم دیگران، سرقت همراه با قتل و یا جرح و غیره.

۲. جرایم بدون قتل و جرح مثل جرم سرقت که سارق تنها به ربودن مال دیگری دست زده باشد بدون این‌که مرتکب قتل و یا صدمه و آسیب بدنی به کسی گردد.

رجوع به پزشک و اقدام به آزمایش‌های پزشکی معمولاً در جرایمی ضرورت پیدا می‌کند که با قتل و آسیب بدنی همراه است. بنابراین، انجام معاینه جسد و تشخیص جراحات‌ها و آسیب‌های وارده و میزان آنها از مهم‌ترین اقدامات پزشک در آزمایش‌های پزشکی است.

امروزه پزشکی قانونی از متخصصین با تجربه رشته‌های پزشکی و کارشناسان سم‌شناسی و دارویی و دام‌پزشکی و صاحب‌نظران ادارات مختلف از جمله کارشناسان اسلحه و فیزیک و شیمی و صاحبان حرفه‌های مختلف استفاده می‌نماید.

ماده ۸۸ ق.ا.د.ک ایران مقرر می‌دارد:

«برای معاینه اجساد و جراحات‌ها و آثار و علایم ضرر و صدمه‌های جسمی و آسیب‌های روانی و سایر معاینه‌ها و آزمایش‌های پزشکی، قاضی از پزشک قانونی معتمد دعوت می‌نماید...».

هم‌چنین طبق ماده ۹۰ قانون مزبور: «قاضی تا زمان حضور پزشک، اقدامات لازم را برای حفظ جسد، کشف هویت متفی و چگونگی فوت و غیره به عمل می‌آورد». و طبق ماده ۹۴، هرگاه هویت متوفی معلوم نباشد قاضی علایم و مشخصات جسد و اثر

انگشت او را به طور دقیق در صورت مجلس قید می‌نماید و در صورت امکان دستور عکس برداری از آن را می‌دهد. سپس برای تشخیص هویت متوفی به هر وسیله‌ای که مقتضی بدانند، اقدام می‌نماید.

بنابراین، پزشک قانونی در مواقع ضروری و برای موارد خاصی دعوت می‌شود و باید با انجام عملیات فنی و دقت در مورد مسائل خواسته شده اظهار نظر نماید.

از مسائل اولیه‌ای که برای پزشک قانونی دربارهٔ افراد آسیب دیده و قربانیان جرم مطرح است، مرده و یا زنده بودن آنان است. اگر زنده باشند، اقدامات لازم را برای کمک و نجات جان وی به کار می‌گیرد و اگر مرده باشد، به معاینه جسد و بررسی‌های مختلف می‌پردازد.

معاینه اجساد

معاینات مربوط به جسد متوفی، گوناگون و از اهمیت خاص برخوردار است و معمولاً به منظورهای زیر صورت می‌گیرد:

۱. تعیین تاریخ مرگ.
۲. تعیین علت و چگونگی مرگ.
۳. تشخیص هویت متوفی.

۱. تعیین تاریخ مرگ

دانستن تاریخ مرگ متوفی، ارزش فراوانی برای مقام تحقیق در برخی اوقات دارد و او را در شناسایی مجرم کمک نموده، مسیر تحقیق و بررسی‌های او را مشخص می‌سازد.

دانستن تاریخ مرگ متوفی ممکن است اتهام به جرم را از برخی افراد برداشته، جریان تحقیق را به سوی شناسایی مرتکب و رهایی متهمین بی‌گناه هدایت نماید، مثلاً در صورتی که افرادی در محل وقوع جرم مورد سوء ظن و اتهام قرار گیرند و معاینه پزشکی، گویای مرگ شخص در زمانی باشد که این افراد به طور قطع در آن جا نبوده‌اند، بی‌گناهی آنان ثابت می‌شود و بالعکس افراد دیگری که در محل وقوع جرم دیده نشدند، ولی در لحظه مرگ در آن جا حضور داشتند، ممکن است به عنوان متهم، مورد تعقیب و تحقیق قرار گیرند.

همچنین مسائل مربوط به ارث، وصیت و غیر آنها ممکن است در برخی موارد با جابجایی تاریخ مرگ تغییر یابد، مثلاً اگر فردی پس از فرزندش مرده باشد، از فرزندش

ارث می‌برد و اگر قبل از آن مرده باشد، فرزندش از او ارث می‌برد، بنابراین تغییر تاریخ مرگ ممکن است موجب جابه‌جایی افرادی به جای افراد دیگر شود. صاحب حقی از حق خود محروم و غیرمستحق، مستحق تلقی گردیده و یا بی‌گناهی، مجرم و مجرمی، بیگناه قلمداد گردد. به همین جهت است که محققین و متخصصین فن پزشکی تلاش می‌کنند تا راه‌های مطمئنی برای تشخیص زمان مرگ متوفی پیدا کنند.

۲. تعیین علت و چگونگی مرگ

مرگ‌ها به دو گروه بزرگ تقسیم می‌شوند:

۱. مرگ‌های غیرمشکوک، طبیعی و پیش‌بینی شده: مرگ‌هایی هستند که علت آنها طبیعی و معلوم بوده و جای هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای در کیفیت تولید آنها نیست.
۲. مرگ‌های مشکوک یا ناگهانی و غیرمترقبه: مرگ‌هایی هستند که به‌طور ناگهانی عارض می‌شوند و غالب اوقات روشن کردن علت و کیفیت آنها ضرورت پیدا می‌کند. این مرگ‌ها خود به سه گروهند؛ مرگ‌های آبی، مرگ‌های سریع، مرگ‌های فجیع که خود مرگ‌های فجیع نیز ممکن است حادثی (تصادف بر اثر رانندگی، حادثه ناشی از کار، اتفاق) یا جنایی و یا خودکشی باشد.^۱

پزشک قانونی با معایناتی که انجام می‌دهد، علل مستقیم و غیرمستقیم و نیز اسباب مرگ را مشخص می‌نماید. علت و سبب در عرف معمول به یک معنا هستند، ولی در پزشکی قانونی، علت در جایی به کار می‌رود که بین حادثه و مرگ، یک آسیب جسمانی (ضربه مغزی، آسیب سینه، شکم، جرح یا شکستگی و نظایر آن) وجود داشته باشد و سبب، زمانی مطرح می‌شود که بین حادثه و مرگ، یک آسیب و ضربه روانی مثل ترس، تهدید، ایجاد هیجان، اضطراب، وجود داشته باشد.^۲

علت مستقیم، آسیبی است که وارد می‌شود بدون فاصله زمانی زیادی موجب مرگ شخص می‌گردد و علت غیرمستقیم آسیبی است که وارد می‌شود و بین آن و مرگ شخص، زمان طولانی فاصله می‌شود به گونه‌ای که ظاهراً بین آن دو رابطه‌ای متصور نمی‌باشد.^۳

مرگ انواع مختلفی دارد؛ یعنی معمولاً مرگ به دنبال سه حالت اتفاق می‌افتد که عبارتند از:

۱. صمد قضایی، پزشکی قانونی، ص ۴۴ - ۴۵.

۲. راک، فرامرز گودرزی، پزشکی قانونی، ج ۱، ص ۳۳۹ به بعد. ۳. همان.

۱. خفگی یا آنوکسی؛ یعنی نرسیدن اکسیژن به مراکز حیاتی بدن.
 ۲. سنکوپ؛ یعنی حالتی توأم با اختلالات تنفسی و هوشیاری حسی و حرکتی.
 ۳. اغما؛ یعنی شوک ناگهانی و از کار افتادن مراکز حیاتی^۱.
- تعیین علت و چگونگی مرگ متوفی در جرایم ارتكابی، از مهم‌ترین اقدامات تحقیقی و کارشناسی پزشکی است که به ترسیم صحیح عمل ارتكابی و شناسایی مرتکب آن، کمک شایانی می‌کند. پزشک قانونی در ابتدای امر باید روشن کند که آیا مرگ متوفی امری طبیعی و دارای علت طبیعی است و یا مشکوک و پیش‌بینی نشده است. در صورت شک، به بررسی و معاینه خویش با دقت ادامه می‌دهد و چگونگی مرگ و علت آن را مشخص می‌نماید.
- پزشکان قانونی برای تعیین علت و چگونگی مرگ از تکنیک اتوپسی که باید مثل یک معاینه بالینی دقیق متدیک باشد استفاده می‌نمایند و نتیجه را به مقامات دادگستری گزارش می‌نمایند. نتیجه اتوپسی باید واضح و کامل و گویا باشد و پزشکی که این عمل را انجام می‌دهد، فقط باید حقیقت آنچه را که می‌بیند و درک می‌کند، گزارش نماید، نه این‌که علتی به حدس برای مرگ پیدا نماید، چه در غالب اوقات ممکن است نتیجه اتوپسی منفی بوده و یا علایم و آثار عادی و بی‌ارزشی روی جسد پیدا شود. در این صورت لازم است جریبان اتوپسی را عیناً گزارش داده و آزمایش‌های لازم از نظر سم‌شناسی و غیره را برای روشن شدن علت مرگ توصیه نماید.^۲

۳. تشخیص هویت متوفی

هریک از افراد آدمی، ویژگی‌ها، علایم و آثار مخصوص به خود را دارند که به وسیله آنها از سایر افراد تمیز داده می‌شوند. در تعیین هویت افراد و اجساد تلاش می‌شود تا مجموعه آن علایم و آثار که موجب تشخیص یک فرد از سایر افراد می‌شود، شناخته گردد.

مهم‌ترین عواملی که به تشخیص هویت کمک می‌کنند، عبارتند از: تعیین سن، جنس، قد، وزن، انگشت‌نگاری، ثبت نقش کف دست و پا، رنگ و وضع موی سر، ابرو، مژگان، ریش، سبیل، زهار و بدن، وضع دندان‌ها، رنگ و وضع چشم‌ها و گوش‌ها و غیره. تعیین هویت ممکن است درباره اشخاص زنده و یا پس از مرگ در روی اجساد به

۱. رک: صمد قضاوی، همان، ص ۵۸

۲. همان، ص ۵۹۹

جهت ضرورت تحقیقاتی انجام پذیرد. تعیین هویت اشخاص زنده که یک امر پلیسی است، در اداره تشخیص هویت و تعیین هویت اجساد در پزشکی قانونی انجام می‌گیرد. پزشکی قانونی ممکن است انجام برخی از اقدامات برای تعیین هویت جسد از قبیل انگشت‌نگاری را از پلیس علمی درخواست نماید.

جسد، دو حالت دارد: سالم و عفونت یافته.

تعیین هویت جسد سالم، تفاوتی با تعیین هویت شخص زنده ندارد و می‌توان تقریباً از تمامی امکاناتی که برای تعیین هویت شخص زنده از قبیل انگشت‌نگاری، عکس‌برداری، معاینه و بررسی لباس و غیره وجود دارد، استفاده نمود.

تعیین هویت جسد عفونت یافته به کمک بررسی استخوان‌ها بسته به نژاد، جنس، قد و سن اشخاص متفاوت است و آثار عوارض حاصل در ایام حیات از قبیل شکستگی نیز ممکن است در روی آنها باقی بماند، می‌توان به جنس شخص، قد، سن، خصوصیات انفرادی و علت و تاریخ مرگ او دست یافت.

دندان‌ها در تعیین هویت متوفی، نقش مهمی دارند و در موارد متعددی از قبیل پیدا شدن جسد سوخته به علت این‌که در اثر سوختگی و فعل و انفعالات از بین نمی‌روند، مورد استفاده قرار می‌گیرند. ناخن‌ها و آثار باقیمانده بر روی آنها، موها و لکه‌های خون نیز در تعیین هویت اجساد نقش مفیدی دارند.

پزشکی قانونی با لحاظ همه موارد و با بررسی دقیق و معاینه کامل، مقام تحقیق را در تحقیقات و کشف حقیقت یاری می‌رساند.

آسیب‌های وارده

۱. آسیب‌های بدنی

صدمات و آسیب‌های وارد بر بدن، متنوع و گوناگونند. این تنوع و گوناگونی به لحاظ عوامل مختلفی است که سبب ایجاد آنها می‌شوند. گسترش روزافزون وسایل مختلف مانند: ماشین‌آلات پیچیده و وسایل نقلیه با سرعت‌های زیاد سبب شده است تا تصادف، حادثه و مسمومیت‌های مختلفی شکل گیرد که در غالب موارد، مسائل پیچیده‌ای را از نظر پزشکی قانونی به وجود می‌آورند که برای حل و فصل آنها نیاز به داشتن اطلاعات کافی است.^۱

۱. ر.ک: صمد قضایی، همان، ص ۱۴۵.

از نظر پزشکی قانونی به آسیب‌های حاصل از برخورد عوامل مکانیکی، فیزیکی، شیمیایی و روانی^۱ بر بدن انسان که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به وجود می‌آیند، ضرب و جرح گفته می‌شود.

ضرب، به صدمات و آسیب‌هایی اطلاق می‌شود که بدون از هم گسیختگی ظاهری نسجی و جاری شدن خون ایجاد می‌گردد، مثل تورم، کوفتگی، سرخی، کبودی، سیاه شدن، پیچ خوردن مفاصل بدون شکستگی، تجمع خون در بافت‌ها و خون مردگی، و جرح، به مواردی گفته می‌شود که بافت‌های بدن از هم گسیخته شده و اغلب با خون‌ریزی توأمند، مثل پوست رفتگی، خراشیدگی، پارگی و بریدگی سطحی و عمیق توأم با آسیب پریوست یا همراه با شکستگی یا آسیب مختصر یا شدید احشای یا صدمه مغزی.^۲

پزشک قانونی که مقام تحقیق با چشمان وی به قضایا و حوادث می‌نگرد، باید موارد مختلف و متعددی را در جریان ضرب و جرح‌ها و حوادث گوناگون مشخص و اظهار نماید. برخی از مواردی که گویای قلمرو امور پزشکی قانونی در زمینه آسیب‌ها و ضرب و جرح‌ها است، به قرار زیر است.

۱. آثار ضرب و جرح و محل ایجاد آن.

۲. علت، آلت و یا علل و آلات ضرب و جرح: علت یا آلات ضرب و جرح مختلف است. ممکن است عوامل طبیعی، یعنی اعضای بدن شخص مثل دست یا عوامل اتفاقی مثل وسایلی که در حین دفاع و منازعه در دسترس انسان قرار دارد و یا عوامل از پیش تهیه شده مثل سلاح‌های گرم و سرد باشد. تشخیص آلات ضرب و جرح می‌تواند در ترسیم عمل مجرمانه و شناسایی مجرم تأثیر زیادی داشته باشد؛ زیرا ممکن است برخی از متهمین، قابلیت طبیعی استفاده از برخی عوامل را مستقیم یا غیرمستقیم نداشته باشند.

۳. وضع مزاجی مضروب و یا مجروح و پیش‌بینی آینده او.

۴. تعیین مدت درمان و معالجه و استراحت لازم یا به طور کلی مدت تعیین کار (از کار افتادگی موقت) و تعیین زمان بهبودی یا پایان معالجه.

۵. تعیین درجه از کارافتادگی قطعی و دائمی به صورت کامل یا ناقص (تعیین درجه نقص عضو).

۱. نتایج حاصل از عوامل روانی نه تنها به شکل صدمات روانی، بلکه به صورت ضایعات کم و بیش‌گسترده جسمانی نیز ظاهر خواهد کرد که ممکن است مسائل پیچیده‌ای از نظر پزشکی قانونی به وجود آورد. (صمد قضاپی، همان، ص ۱۴۵).
۲. فرامرزگودرزی، همان، ج ۱، ص ۷۲۶.

۶. تاریخ ایجاد آثار ضرب و جرح.

۷. وضع ضارب و مضروب یا مجروح و مسیر گلوله یا آلت جرح: در این جا لازم است سوراخ ورودی گلوله در بدن، مسیر گلوله در بدن و سوراخ خروجی آن مشخص گردد. با مطالعه کیفیت سوراخ ورودی و مقایسه با سوراخ ورودی حاصل از تیراندازی تجربی با همان نوع سلاح، فاصله تیراندازی و در نتیجه وضعیت ضارب شناسایی می شود.

۸. تطابق با قانون دیات: از جمله مواردی که نظر کارشناسی پزشک برای مقام تحقیق و قضاوت اهمیت زیادی دارد، تطبیق عناوین قانون دیات بر موارد خاص است و به عبارت دیگر، آن جا که قاضی ناچار است بر اساس میزان جراحات های وارده، دیه و یا جزای نقدی در نظر بگیرد، نظر کارشناسی پزشک لازم و ضروری است.

۹. خودزنی یا جنایت: برخی از جراحات و آسیب ها ممکن است خودزنی باشد نه جنایتی که از ناحیه دیگری بر بدن شخص انجام گرفته باشد، مثلاً برخی ها پس از جنایت به خودزنی می پردازند تا جریان شاکی و متهم را بر عکس نموده و یا از شدت جنایت خود نزد قاضی بکاهند. در این موارد، پزشک قانونی باید رسیدگی کامل و کافی به عمل آورده، حقیقت را روشن کند.

۳. آسیب های روانی

صدمات وارد بر بدن، علاوه بر آسیب های بدنی، ممکن است عوارض روانی به وجود آورند، مجرم نیز ممکن است تحت تأثیر حالات روانی، مرتکب جرم شده باشد و چون طبق مقررات قانون جزای ایران و فرانسه، اختلالات روانی و جنون در رفع مسئولیت کیفری یا تقلیل آن مؤثرند، مقام تحقیق باید به حالات روانی متهم پردازد و برای این کار روان شناس جنایی که به مطالعه شخصیت تبهکار و شناخت علل و انگیزه های تبهکاری و نیز شیوه های جامعه پذیری و تجربه های دوران کودکی و محیط زندگی تبهکار و نقش ناخود آگاه او در ارتکاب تبهکاری می پردازد.^۱ هم چنین روان پزشک قانونی که وظیفه تشخیص قدرت اداره امور یا عدم آن و تعیین مسئولیت آنان را به عهده دارد، استفاده می نماید.

به علاوه، طبق ماده ۸۸ ق. ا. د. ک. ایران، آسیب های روانی از مواردی است که قاضی

۱. هدایت الله ستوده و دیگران، روانشناسی جنایی، ص ۲۰.

برای بررسی آن از پزشک قانونی معتمد دعوت می‌کند، لذا روان‌پزشک قانونی باید موارد زیر را در مورد مصدوم مشخص نماید:

۱. آیا مصدوم تجتن می‌نماید (یعنی خود را مجنون و روانی جلوه می‌دهد).
۲. در صورتی که مسئله تجتن در بین نباشد و مصدوم مبتلا به یک عارضه روانی باشد، یکی از صور چهارگانه زیر صادق است:
 - الف) عارضه روانی قبل از حادثه وجود داشته و ربطی به صدمه مغزی ندارد.
 - ب) یک عارضه خفیف روانی وجود داشته و ضربه مغزی آن را تشدید کرده است.
 - ج) شخص، زمینه ابتلا به عوارض روانی را داشته و ضربه مغزی یک عارفه نهفته را آشکار نموده است.
 - د) عارضه روانی منحصرأ مربوط به صدمه مغز در اثر حادثه بوده است.^۱

پزشک به عنوان مطلع

پزشکان، گاهی برای ادای توضیح درباره وضع بیماران خود یا توجیه مندرجات پرونده‌های بالینی دعوت می‌شوند. معمولاً از جراحان معالج برای کسب اطلاع در مورد ضایعات وارده و مشاهدات او هنگام جراحی اعضای درونی و امعا و احشا و میزان قطع آنها و برداشتن قسمتی از ریه، روده و کلیه و مغز و سایر اندام‌های صدمه دیده دعوت به عمل می‌آید. در مورد صدمات وارد بر لگن و دستگاه زنانه و وضع آینده آن، مخصوصاً احتمال عدم باروری در دوشیزگان و زنان صدمه دیده، نظر متخصصین جراحی زنان بسیار مغتنم است. متخصصین روانی بیشتر از سایر پزشکان مورد سؤال مقامات قضایی قرار می‌گیرند. پزشکان در این صورت باید حاضر شده و اطلاعات بدهند و پاسخ‌ها، افشای راز پزشکی محسوب نخواهد شد.^۲

پلیس علمی و کشف علمی جرایم

معمولاً در نیروهای انتظامی و پلیسی کشورها و یا در کنار آنها، نیروهایی وجود دارند که در کشف علمی جرایم مهارت داشته، اقدامات فنی و علمی لازم را انجام می‌دهند، بررسی مسائل مربوط به جسد و آسیب‌های بدنی و روانی اصولاً بر عهده پزشکی قانونی است و در سایر موارد، معمولاً این پلیس علمی است که عملیات فنی را انجام

۲. همان، ج ۱، ص ۲۱۷.

۱. فرامرزدوری، همان، ج ۲، ص ۱۵۹۷.

می دهد. پلیس علمی دارای سه جنبه مختلف است:

۱. تشخیص هویت مرده و زنده.
۲. کارهای فنی مأمورین پی جویی در محل وقوع جرم.
۳. اقدامات معمولی در آزمایشگاه و تجزیه برگه‌ها و آثار باقیمانده.^۱

تشخیص هویت و روش‌های آن

بیشتر گذشت که تشخیص هویت از نظر مقررات و قوانین از امور مهم و اساسی به شمار می آید. این عمل در غیر از مواردی که در صلاحیت پزشک قانونی است، به وسیله پلیس علمی و نیروهای فنی صلاحیت‌دار انجام می پذیرد. این امر با کلیه وسایل می تواند به عمل آید.^۲ با این وجود اگر ادارات پلیس در اعتبار اثباتی وسایل معرفی شده، تردید داشته باشند، می توانند نسبت به آن تحقیق نمایند.

برای تشخیص هویت و شناسایی اشخاص عادی و مجرمین، روش‌های علمی مختلفی به وجود آمده و مورد عمل قرار گرفته است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. روش آنتروپومتری با تن‌پیمایی: این روش که بر اساس اندازه‌گیری اندام‌های بدن بنیان نهاده شده، بر این اصل استوار است که هر انسانی با انسان دیگر از نظر فیزیکی و اندازه‌های دقیق بدنی متفاوت است. اگرچه در ابتدا عقیده بر این بود که تن‌پیمایی از نظر علمی به عنوان اولین روش تشخیص هویت، روش قابل اطمینانی است، ولی امروزه به دلیل نقایص زیادی و اشتباهات بزرگی که با آن روی می داد. مشخصات تن‌پیمایی تقریباً در همه جای دنیا جای خود را به مشخصات آثار انگشتان داده است.

۲. روش انگشت‌نگاری: انگشت‌نگاری یا فن برداشتن آثار انگشتان، یکی از عملی‌ترین کاربردهای علوم در معاینات است و اگر اثر انگشت‌ها کاملاً مشخص بوده و بتوان آنها را با اثر انگشتان مظنون مقایسه کرد و یا همان آثار انگشت در سجل کیفری افراد محکوم پیدا شود، طریقه بسیار مؤثری است.

این روش که به جای تن‌پیمایی قرار گرفته و اعتبار خود را تا به حال حفظ کرده، امروزه در حد وسیعی مورد استفاده قرار می گیرد. این روش مبتنی بر این اصول است که اولاً: دو اثر انگشت یکسان در جهان وجود ندارد و حتی برابری از نظر انگشت‌نگاری بین پدر و مادر یا فرزندان یا بین برادران و خواهران و حتی بین انگشتان مختلف یک فرد

۱. ماری سودرمن، جان اوگانال، پلیس علمی، ترجمهٔ یحیی افتخارزاده، ص ۲.

۲. بند ۱ مادهٔ ۲-۷۸ ق. د.ک فرانسه.

به هیچ وجه دیده نشده است. ثانیاً: نقوش انگشتان یک شخص هرگز تغییر پیدا نمی‌کند و هیچ‌گاه دست‌خوش تغییرات فیزیکی نمی‌شود و همیشه به همان صورت اولیه خود باقی می‌ماند. بنابراین، روش انگشت‌نگاری از اهمیت زیادی در تشخیص هویت مرده و زنده و شناسایی مجرمین برخوردار است.^۱

۳. روش DNA: این روش در عصر جدید، مورد توجه علمای کشف جرم قرار دارد و به همراه انگشت‌نگاری در مواقع ضروری مورد استفاده قرار می‌گیرد. در مواردی که یک مدرک وقوع جرم نظیر خون، اسپرم، ذرات پوست و سایر بافت‌های بدن، چند تار مو، استخوان، مایعات جنینی و غیره در صحنه جرم یافت می‌شوند و لازم باشد مشخص گردد مدرک مذکور مربوط به کدام یک از مظنونین مورد نظر می‌باشد، کافی است DNA نمونه مشکوک با DNA تک‌تک افراد مظنون مقایسه گردد تا معلوم شود مربوط به کدام یک از آنها است.^۲ DNA، مانند آثار انگشتان به منظور استفاده در مواقع ضروری در آینده قابل نگه‌داری است. با این وجود، این روش محدودیت اثر انگشت را ندارد و در یک مقیاس وسیعی قابل استفاده است، اگرچه به دلیل فنی بودن و هزینه داشتن در مواقع خاصی به کار گرفته می‌شود.

اقدامات فنی پلیس علمی

هدف از تحقیق و عملیات فنی کارشناسان همان‌طور که مکرراً مورد اشاره قرار گرفت، کشف جرم، مجرم و شناسایی حقیقت است و یکی از راه‌های رسیدن به آن، بررسی و تجزیه و تحلیل آثار و نشانه‌های جرم، یعنی دلایل مادی جرم است. هر اثری در محل وقوع جرم می‌تواند مؤثر باشد، لذا مأمورین تحقیق مکلف به جمع‌آوری تمامی آثار و علایم جرم برای بررسی و معاینه آنها می‌باشند. در این جا به برخی از دلایل مادی جرم - که معمولاً کار فنی درباره آنها انجام می‌گیرد - اشاره می‌کنیم تا بخشی از اقدامات پلیس علمی و قلمرو عمل آنها روشن گردد.

۱. آثار انگشت

دست‌یابی به آثار انگشت در صحنه‌های جرم یکی از با ارزش‌ترین انواع دلایل مادی جرم محسوب می‌شود، و ثبت و ضبط آن از اصول فنی خاصی پیروی می‌کند و پلیس

۱. تفاوت آثار انگشتان افراد در آیات ۴ و ۵ سوره قیامت مورد اشاره قرار گرفته است.

۲. مهدی نجابتی، کشف علمی جرائم (پلیس علمی)، ص ۱۳.

علمی و وظیفه مهمی در این زمینه دارد. از محو آثار انگشت باید جلوگیری نماید. آثار آشکار و پنهان انگشت را باید شناسایی و با بررسی های فنی، مشخصات آن را ثبت و ضبط نماید. آشکار کردن آثار انگشتان پنهان که در سطوح مختلف متفاوت است، و در نهایت کمک به شناسایی صاحب آنها از اقدامات مهم پلیس علمی است.

۲. لکه های خون

خون یکی از شایع ترین نمونه های دلایل مادی است که در صحنه های جرایم مهم مشاهده می شود. تشخیص لکه های خون اغلب اوقات مشکل است. آزمایش کننده یک لکه خون باید مشخص کند که آیا آن لکه خون است یا خیر؟ اگر خون است، مربوط به انسان است یا حیوان؟ اگر خون انسان است، از کدام قسمت بدن خارج شده است و عمر آن چقدر است و بالاخره باید با تجزیه خون و بررسی جوانب مختلف مربوط به آن و گروه خونی و غیره تا حد امکان صاحب آن را شناخت و در جهت شناسایی مجرم و کشف حقیقت گام برداشت.

۳. مو

آزمایش مو از جنبه های مهم تحقیقات است و ابتدا باید معلوم گردد که متعلق به انسان است یا حیوان؟ اگر مو متعلق به انسان باشد نتایج زیر را بر اساس آن می توان تعیین کرد: نژاد مظنون، ناحیه ای که مو از آن موضع جدا شده است، آیا مو کنده شده و یا به خودی خود ریخته است؟ آیا مو با وسایل برنده و تیز قطع شده و یا با وسایل کند؟ آیا مو آغشته به رنگ های شیمیایی و یا مواد بی رنگ کننده است یا خیر؟ آیا مو تحت تأثیر عواملی مانند سوختن یا له شدن قرار گرفته یا خیر؟^۱

۴. اسلحه گرم

یکی از کارهای مهمی که کارشناسان صحنه جرم باید انجام دهند، بررسی سلاح های گرم، گلوله و آثار باقیمانده از آنها است. در این جا باید مشخص گردد که آیا گلوله از یک سلاح ویژه شلیک شده است؟ با بررسی یک گلوله می توان ویژگی های طبقه سلاح مورد استفاده را تعیین کرد. پوکه فشنگ شلیک شده نیز می تواند به شناسایی اسلحه

۱. چاملین سوانسون و دیگران، تحقیقات جنایی، ترجمه مهدی نجابتی و دیگران، ص ۲۰۰.

به کارگیری شده کمک نماید. با شناسایی سلاح می‌توان در جهت شناسایی صاحب آن حرکت و از آن برای شناسایی مجرم استفاده کرد.

۵. اسناد مشکوک و مجعول

سند عبارت است از هر نوع مدرک علامت‌داری که به منظور انتقال یک پیام مورد استفاده قرار می‌گیرد. بسیاری از اسناد به ظاهر بی‌اهمیت اگر دقیقاً تحت بررسی و آزمایش قرار داده شوند می‌توانند به عنوان یک مدرک قطعی در شناسایی مجرم مورد استفاده قرار گیرند. برای مثال از بررسی یک یادداشت دست‌نویس می‌توان پی برد که نگارش جملات آن محصول کار یک فرد معین و یا یک پیام تایپ شده، محصول تایپ یک ماشین تایپ مخصوص است و یا سندی در یک ماشین مخصوص در دو نسخه تایپ شده است یا نه. از سوی دیگر با توجه به این موارد، متخصصین ممکن است آثار پاک‌شدگی، قلم خوردگی و محو‌شدگی را به عنوان یک راهنمای کلیدی در اسناد کشف کنند. هم‌چنین می‌توان از قطعات ظاهراً بی‌مصرف سوخته شده و یا از به‌هم پیوستن لبه‌های پاره اسناد به یکدیگر، اطلاعاتی قطعی در خصوص اسناد به‌دست آورد.^۱

بنابراین بررسی اسناد که خود راه‌های مخصوص و فنی ویژه‌ای دارد، از امور کارشناسی در تحقیقات است که معمولاً توسط نیروهای فنی صلاحیت‌دار انجام می‌گیرد و کمک شایانی به کشف حقیقت خواهد نمود.

۶. دندان‌ها و آثار آنها

دندان‌ها اعم از دندان‌های طبیعی و دندان‌های مصنوعی و صفات اختصاصی شکل‌شناسی آنها، از اهمیت به‌سزایی در شناسایی اجساد مثله شده، پوسیده و یا بقایای اجساد غیرقابل شناسایی برخوردار می‌باشند. هم‌چنین دندان‌ها در هنگام گازگرفتن آثاری از خود در بدن به جای می‌گذارند که تجزیه و تحلیل این آثار در بسیاری از موارد جنایی نقش مهمی دارد. تجزیه و تحلیل آثار گازگرفتن روی پوست ارزش بسیار زیادی در یاری رساندن مأمورین تحقیق در شناسایی مرتکب جرم دارد. ابتدایی‌ترین روش استفاده از آثار گازگرفتن در صحنه جرم، بررسی اشیایی است که به آنها گاز زده شده است، مثل سیب، آدامس جویده و... و اشیایی مثل مداد.

تشخیص دندان‌ها و آثار آنها و حفظ و نگه‌داری آنها و استفاده از آنها در شناسایی مجرم نیازمند تدابیر و آزمایش‌هایی است که مأمورین فنی باید انجام دهند.

۷. سایر اقدامات

اقدامات مختلف درباره آنچه گفته شد و آنچه مورد اشاره قرار نگرفت مثل ترشحات بدن آدمی، آثار مربوط به ابزار، رد پاها، پنجره‌های شکسته و غیره، اقدامات فنی است که معمولاً مأمور تحقیق و یا مراجع تحقیق نمی‌توانند آنها را انجام دهند و این کارشناسان کشف جرایم هستند که به دعوت آنها وارد می‌شوند و با به‌کارگیری شیوه‌های علمی و آزمایش‌های فنی، آنان را در کشف حقیقت کمک می‌کنند.

یادآوری این نکته ضروری است که برخی اقدامات فنی پلیس علمی و روش‌های مورد عمل که بخشی از آنها مورد اشاره قرار گرفت، ممکن است به وسیله پزشکان قانونی نیز انجام شود، مثلاً آزمایش‌های مربوط به لکه‌های خون و غیره و استفاده از روش DNA برای تشخیص موارد مختلف، اختصاص به پلیس علمی ندارد، بلکه از اقداماتی است که هم در آزمایشگاه‌های پلیس علمی و هم در پزشکی قانونی قابل انجام می‌باشند.

بررسی شخصیت متهم و مجرم

توجه به شخصیت متهم و مجرم و بررسی آن در جریان تحقیقات و معاینات از مسائل مهمی است که امروزه اندیشه متفکران و حقوق‌دانان کشورهای مختلف را به خود مشغول کرده است. قاضی دادگاه در هنگام قضاوت، ناگزیر باید به خصوصیات متهم، آشنایی کافی پیدا کرده، شخصیت وی را کشف و در آن نفوذ کند تا بتواند حین صدور حکم، تصمیم مناسب و مقتضی اتخاذ نماید.

بررسی شخصیت متهم به وسیله مقام تحقیق و در جریان تحقیقات مقدماتی انجام می‌شود و به عبارت دیگر، مقام تحقیق، دو پرونده تشکیل و به قاضی دادگاه مرجع رأی تسلیم می‌نماید، یکی پرونده عمل مجرمانه که دربرگیرنده دریافت‌های مقام تحقیق از تحقیقات درباره کیفیت و نحو، عمل مجرمانه است و دیگری پرونده شخصیت متهم که حاوی خصوصیات بدنی، روانی، زیست‌شناسی و اجتماعی متهم می‌باشد. چند نکته در این زمینه می‌تواند تا حدودی مسئله را روشن کند.

ارتباط آن با موضوع بحث

ارتباط بین موضوع بحث و پرونده شخصیت متهم از دو جهت می‌تواند مورد توجه قرار گیرد:

۱. تشکیل پرونده شخصیت متهم، لازمه بررسی، معاینه و تحقیق از شخصیت متهم و زندگانی او است و ضرورت تشکیل چنین پرونده‌ای به این معنا است که متهم باید از جهت بدنی، روانی و شرایط گوناگون اجتماعی و خانوادگی، مورد بررسی و معاینه قرار گرفته، در پرونده وی ثبت شود.

تحقیقات مقدماتی و معاینات، رسیدگی به اعمال مادی و شخصیت متهمان را در بر می‌گیرد و اقدامات تحقیقی مقام تحقیق نه تنها باید راجع به اعمال و کارهای مورد بحث باشد، بلکه باید متوجه شخص یا اشخاص تحت تعقیب و محیط زندگانی آنان نیز بشود، به علاوه بررسی شخصیت متهم، ورود به حریم شخصیت و زندگی خصوصی او و نوعی بازرسی به شمار می‌آید، ولی نه بازرسی محل وقوع جرم و یا بازرسی منازل، بلکه بازرسی مرکز تصمیم جرم.

بنابراین، اصل ممنوعیت و عدم جواز بررسی و بازرسی در این جا هم وجود خواهد داشت و جواز آن، نیازمند به توجیه عقلانی و نص قانونی است.

۲. کشف شخصیت یک انسان، نیازمند انجام آزمایش‌های پزشکی یا پزشکی روان‌شناسی و بررسی اجتماعی است که به وسیله متخصصان علوم انسانی مانند پزشک، روان‌شناس، جرم‌شناس، جامع‌شناس و روان‌کاو به عمل می‌آید. این مورد، از مواردی است که مقام تحقیق، چاره‌ای جز رجوع به آنان برای انجام کارهای کارشناسی ندارد. بنابراین، تحقیقات و معاینات آنان درباره شخصیت متهم، شهادت تلقی می‌شود نه کارشناسی و اگر برای ادای توضیح به جلسه دادرسی دعوت شوند، قسم شهادت یاد خواهند کرد.

سیر تاریخی توجه به شخصیت متهم

توجه به شخصیت محکومین و به طریق اولی متهمین، مورد توجه پیروان حقوق جزای کلاسیک قرار نداشت. ضرورت توجه به شخصیت محکومین پس از صدور حکم و حین اجرای آن در مکاتب جدید مطرح گردید و نتیجه آن، ایجاد آزادی مشروط و غیره در میان مقررات حقوقی است. این مسئله با آغاز قرن بیستم مورد تأکید بیشتر قرار گرفت و به شخصیت محکومین نه تنها در زندان و حین اجرای کیفر، بلکه حین صدور حکم

توجه خاص مبذول گردید و امروزه تعلیق ساده و تعلیق مراقبتی از مهم‌ترین سلاح‌های مبارزه با محرومیت و جلوگیری از ورود دوباره محکومین به سرزمین خطرناک جرم جنایت به‌شمار می‌آید.

قانون‌گذاران برخی کشورها برای این‌که قاضی رسیدگی‌کننده بتواند با تکیه بر شناخت واقعی کسی که درباره او تصمیم می‌گیرد، تصمیم‌گیری مناسب نماید، مقرر کردند، در هر محاکمه‌ای علاوه بر پرونده عمل مجرمانه، باید پرونده شخصیت متهم که در کنفرانس‌های بین‌المللی حقوق جزا مورد تأکید و بحث بوده است، از نیمه دوم قرن بیستم در رسیدگی‌های کیفری مورد توجه بیشتر قرار گرفت.

توجه به شخصیت متهم در حقوق ایران و فرانسه

توجه به شخصیت متهم و مجرم در صدور حکم و اجرای کیفر و مجازات مورد توجه قانون‌گذار ایرانی قرار گرفته است که می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مقرر می‌دارد: «در کلیه محکومیت‌های تعزیری و بازدارنده حاکم می‌تواند اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را با رعایت شرایط زیر از دو تا پنج سال معلق نماید.

الف) محکوم علیه سابقه محکومیت قطعی به مجازات‌های زیر نداشته باشد.

ب) دادگاه با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق زندگی محکوم علیه و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را مناسب نداند.

۲. فصل چهارم از قانون مجازات اسلامی؛ یعنی مواد ۳۸ تا ۴۰ آزادی مشروط زندانیان اختصاص داده شده است.

۳. ماده ۲۲ ق. م. ا مقرر می‌دارد:

«دادگاه می‌تواند در صورت احراز جهات مخففه، مجازات تعزیری و یا بازدارنده را تخفیف دهد و یا تبدیل به مجازات از نوع دیگری نماید که مناسب‌تر به حال متهم باشد».

به علاوه، علل موجهه مسئولیت کیفری به ویژه علل رافع مسئولیت کیفری که عبارت از کودکی، جنون و غیره می‌باشد، توجه به شخصیت مجرم و وضعیت روحی و روانی او را می‌طلبد. ضمن این‌که ماده ۹۵ ق. ا. د. ک ایران مقرر می‌دارد:

«هرگاه قاضی تحقیق در جریان تحقیقات متوجه شود که متهم هنگام ارتکاب جرم

مجنون بوده است، تحقیقات لازم را از کسان و نزدیکان او و سایر مطلعین به عمل آورده و نظریه پزشکی متخصص را در این مورد تحصیل، مراتب را در صورت مجلس قید کرده، پرونده را به دادگاه ارسال می‌دارد. دادگاه پس از بررسی پرونده هرگاه تحقیقات قاضی تحقیق و اهل خبره را کافی دید و از صحت آن مطمئن شد از نظر جزایی قرار موقوفی تعقیب و صادر و در مورد دیه یا خسارت مالی در صورت مطالبه، حکم مقتضی صادر می‌نماید و چنانچه اطمینان به صحت تحقیقات حاصل نکرد، به تحقیق و جلب نظر اهل خبره تا حصول نتیجه ادامه می‌دهد. شخص مجنون با اذن ولی و یا در صورت ضرورت به مراکز مخصوص نگهداری و درمان منتقل خواهد شد.

بنابراین، قاضی دادگاه در جریان رسیدگی و محاکمه جزایی باید به شخصیت مجرم توجه نماید. طبیعی است که مقام تحقیق در این زمینه می‌تواند کمک شایانی به قاضی دادگاه کند، لذا او باید خورا موظف و ملزم به شناخت شخصیت متهم و مجرم و تسلیم تحقیقات خویش به قاضی دادگاه بداند.

متأسفانه در حقوق ایران، سخنی از تشکیل پرونده شخصیت متهم و بزهکار به میان نیامده است و مقامات تحقیق با توجه به مقررات مختلفی که ناظر به تأثیر وضعیت روحی و روانی و اجتماعی و خانوادگی متهم و مجرم در تخفیف و رفع مجازات و یا تشدید مجازات است، می‌توانند در حدود قوانین و در چارچوب پرونده عمل مجرمانه، به بیان جوانب شخصیتی مجرم بپردازند تا قاضی بتواند تصمیم مقتضی، مناسب و عادلانه اتخاذ کند.

در حقوق فرانسه نیز به شخصیت متهم و مجرم در جریان تحقیقات توجه خاص و ویژه شده است^۱ و علاوه بر در نظر گرفتن مسائلی از قبیل آزادی مشروط،^۲ تعلیق مجازات^۳ و غیره، «از دیرباز به منظور تعیین میزان مسئولیت متهمین به جنایت، به معاینه روان پزشکی آنان مبادرت می‌ورزید و اگر پاسخ سؤال «آیا متهم به جنایت، مبتلا به جنون به مفهوم ماده ۶۴ قانون جزای فرانسه هست یا خیر؟ مثبت باشد، به استناد همان ماده، دیگر «جنایت یا جنحه‌ای» واقع نشده است.

۱. ماده ۲۴ - ۱۳۲ ق. ج فرانسه: «دادگاه در حدود پیش‌بینی قانون، مجازات‌ها و رژیم اجرایی آنها را بر حسب کیفیات جرم و شخصیت مرتکب آن تعیین می‌کند و برای جزای نقدی، دادگاه، درآمدها و هزینه‌های مرتکب جرم را مدنظر قرار می‌دهد.

۲. مواد ۲۹ - ۱۳۲ تا ۵۷ - ۱۳۲ قانون جزای جدید فرانسه.

۳. مواد ۷۲۹ تا ۱ - ۷۳۳ ق. د. ک فرانسه.

در این جا روان پزشکی پس از آزمایش متهم، گزارش کتبی خود را یا به بازپرس ارائه می‌کرد و یا به طور شفاهی نظریات خود را در جلسات دیوان عالی جنایی بیان می‌نمود.^۱ بنابراین، قضاوت تحقیق فرانسه از سال ۱۹۵۱ به بعد گاهی رأساً به شناخت شخصیت متهمین مبادرت می‌ورزیدند تا این‌که در سال ۱۹۵۸ در ماده ۸۱ قانون دادرسی کیفری آن کشور، تشکیل پرونده شخصیت پیش‌بینی و همکاری گروهی متشکل از پزشک، روان‌شناس، روان‌کاو، روحانی، مددکار اجتماعی و مقامات زندان ضروری شناخته شد. بند ۶ ماده ۸۱ ق. د ک فرانسه مقرر می‌دارد:

«قاضی تحقیق شخصاً و یا به وسیله افسران پلیس قضایی... یا هر شخصی که از طرف وزیر دادگستری صالح شناخته شده باشد در مورد شخصیت متهمان، موقعیت مادی، خانوادگی یا اجتماعی آنها تحقیق می‌کند. این تحقیقات اجتماعی به منظور تشخیص شخصیت مجرم در امور جنایی، اجباری و در امور جنح‌های، اختیار است. با این وجود؛ دیوان کشور با وجود اجباری بودن برای عدم انجام تحقیقات دو جنایات ضمانت اجرای بطلان قائل نشده است. بازپرس می‌تواند دستور انجام آزمایش‌های پزشکی را داده و یا از پزشک تقاضای انجام آزمایش‌های روان پزشکی و یا هرگونه اقدام مفید دیگر را بخواهد.»^۲ این تحقیقات اجتماعی و آزمایش‌های پزشکی و پزشکی - روان‌شناسی، پرونده شخصیت متهم را تشکیل می‌دهند^۳ که هدف آن، تهیه عناصر ارزیابی شکل زندگانی گذشته و حال متهم برای مقامات قضای به شکل موضوعی بوده، بدون این‌که از آن نتیجه‌گیری‌هایی مربوط به ماهیت موضوع مورد بحث بکنند. این اقدام نمی‌تواند هدف جست‌جوی دلایل مجرمیت داشته باشد.^۴

نکته قابل یادآوری در این جا این است که این آزمایش‌ها، نوعی حق به نفع متهم را تشکیل می‌دهند؛ زیرا بند ۷ ماده ۸۱ ق. د ک فرانسه مقرر می‌دارد: «در صورت درخواست آزمایش از طرف متهم یا مشاور وی، بازپرس فقط با قرار مستدل می‌تواند آن را رد نماید» اگر بازپرس ظرف مدت یک ماه اظهار نظر نکند، ذی نفع می‌تواند مستقیماً به رئیس شعبه اتهام مراجعه کند.^۵

۱. مارک آنسل، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ایرند آبادی، ص ۸۲.

۲. بند ۷ ماده ۸۱ ق. د ک فرانسه.

۳. ماده ۱۶ به بعد ق. د ک فرانسه.

۴. بند ۲ و ۳ ماده ۱۶ ق. د ک فرانسه.

۵. بند ۹ ماده ۸۱ ق. د ک فرانسه.

منابع

الف) قوانین و اسناد

۱. قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸.
۲. قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۰ ق - ۱۲۹۰ ش.
۳. قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵ و آئین نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۷۳/۴/۲۵.
۴. آئین نامه شرح وظایف قضات تحقیق مصوب ۱۳۷۴/۳/۸.
۵. قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷.
۶. لایحه قانونی مربوط به استقلال کانون کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۵۸/۸/۱ شورای انقلاب.

ب) کتابها:

۱. آخوندی، محمود، آئین دادرسی کیفری، ج ۱ و ۲، چاپ سوم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲.
۲. ابوالروس، احمد، التحقيق الجنائي و التصرف فيه و الادلة الجنائية، المكتب الجامعی الحديث، ۱۹۹۸ م.
۳. استفانی، گاستون و ژرژ لواسور و برنار بولهیک، آئین دادرسی کیفری (فرانسه) ج ۱ و ۲، ترجمه دادبان، حسن، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷.
۴. _____، حقوق جزای عمومی (فرانسه) ج ۱ و ۲، ترجمه دادبان، حسن، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷.
۵. اصغری، اسماعیل، آئین دادرسی مدنی، چاپ اول، انتشارات فروزش، ۱۳۷۷.
۶. انصاری، ولی الله، حقوق تحقیقات جنایی (مطالعه تطبیقی)، انتشارات دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی)، ۲۵۳۷.
۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ چهارم، تهران، کتابخانه گنج و دانش، ۱۳۶۸.
۸. _____، دانشنامه حقوقی، ج ۵، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۸.
۹. _____، فرهنگ حقوقی، کانون معرفت، ۱۳۳۴.
۱۰. سوانسون، چارلز، جاملین نیل سی و تری ترلثونارد، تحقیقات جنایی، ترجمه نجابتی،

- مهدی، رضا پرویزی و اصغر شفیعی نیکا، چاپ اول، تهران، مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد) ۱۳۷۵.
۱۱. سودرمن، هاری، جان اوگاتل، پلیس علمی (کشف علمی جرایم)، ترجمه افتخارزاده، یحیی، چاپ دوم، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۷۱.
۱۲. شنایدر، لی موین، پی جویی قتل، ترجمه افتخارزاده، یحیی، چاپ دوم، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۷۱.
۱۳. شیخ نیا، امیرحسین، ادله اثبات دعوی، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی افشار، ۱۳۷۳.
۱۴. صدرزاده افشار، سیدمحسن، ادله اثبات دعوی در حقوق ایران، چاپ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹.
۱۵. ع و شرقی، عباس، علم انگشت‌نگاری، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۲.
۱۶. کشاورز صدر، سید محمد علی، آئین و رویه دادرسی کیفری با قوانین کیفر، چاپ اول، تهران، انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۸.
۱۷. گودرزی، فرامرز، پزشکی قانونی ج ۱ و ۲، چاپ اول، تهران، انتشارات انیشتین، ۱۳۷۷.
۱۸. لارگیه، ژان، آئین دادرسی کیفری فرانسه، ترجمه کاشفی اسمعیل زاده، حسن، چاپ اول، ۱۳۷۸، کتابخانه گنج دانش.
۱۹. مدنی، سید جلال الدین، آئین دادرسی کیفری، ج ۱ و ۲، چاپ اول، انتشارات پایدار، ۱۳۷۸.
۲۰. النقیب، عاطف، اصول المحاکمات الجزائیه (دراسة مقارنة)، الطبعة الاولى، ۱۹۹۳، دارالمنشورات الحقوقية، ۱۹۹۳.
۲۱. هدایتی، محمدعلی، آئین دادرسی کیفری، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۲.

ج) جزوات و تقریرات

۱. آشنوری، محمد، آئین دادرسی کیفری، (جزوه پلی کیپی) مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۶۵.
۲. نجابتی، مهدی، پلیس علمی، کشف علمی جرایم (جزوه درسی) دانشگاه مفید، ۱۳۷۷.